

# الاصحاح الثامن

محتوای مسابقه دانش آموزان پایه هشتم

(دوم راهنمایی)

# بلاغه



« صحیفه سجادیه، علی الظاهر فقط کتاب دعاست؛ اما آن هم مثل نهج البلاغه، کتاب درس

و کتاب حکمت و کتاب عبرت و کتاب راهنمای زندگی سعادت‌مندان‌هی انسان است. »

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)



## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۶
مقدمه	۸
آشنائی با سیمای امام سجاد (علیه السلام)	۱۰
نام، کنیه و القاب حضرت سجاد (علیه السلام)	۱۱
همسر امام زین العابدین (علیه السلام)	۱۲
حاکمان هم عصر امام سجاد (علیه السلام)	۱۲
دفاع فرهنگی در عصر استبداد	۱۳
خطابه‌های حماسی و تأثیر گذار	۱۴
گفتگوهای دشمن شکن	۱۵
اشک های مؤثر	۱۶
حمایت معنوی از قیامهای طاغوت ستیز	۱۷
نیایش‌های عارفانه و بیدارگر	۱۸
نظریه های علمی در صحیفه سجادیه	۲۰
حکومت معنوی در عصر خفقان	۲۰
کارآمد ترین شیوه تربیتی	۲۱
تربیت انسان های صالح	۲۳
یاران و شاگردان حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)	۲۳
محبوبیت حضرت سجاد (علیه السلام) از منظر دیگران	۲۵
نفوذ صحیفه سجادیه در قلب اروپا	۲۵
اعتراف بزرگ مفسر اهل سنت	۲۷
زیباترین شیوه معاشرت	۲۸



۲۸.....	پناه بی پناهان .....
۲۹.....	خدمتگزار ناشناس .....
۳۰.....	راز تسخیر دلها! .....
۳۱.....	روش های دوست یابی.....
۳۱.....	محبوبترین رهبر آسمانی.....
۳۴.....	برگی از دفتر آفتاب.....
۳۶.....	<b>فصل دوم – دعای بیست و چهارم صحیفه سجادیّه</b> .....
۳۷.....	منزلت والدین .....
۳۷.....	حقوق متقابل .....
۳۸.....	از منظر اهل بیت (علیهم السلام).....
۳۸.....	* فراز اول: درود بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آلش.....
۳۹.....	نقش صلوات در جلب رحمت الهی .....
۳۹.....	آیات و روایات درباره صلوات .....
۴۰.....	اهمیت صلوات.....
۴۱.....	حقوق والدین .....
۴۲.....	* فراز دوم: در پرتو کرامت الهی.....
۴۲.....	کرامت انسان.....
۴۲.....	کرامت در قرآن.....
۴۳.....	* فراز سوم: وظیفه شناسی.....
۴۴.....	حق مادر .....
۴۴.....	حقوق پدر .....
۴۴.....	* فراز چهارم: برکت در زندگی.....
۴۵.....	عوامل برکت زا .....
۴۸.....	مهرورزی به والدین و آثار آن در جامعه .....
۴۹.....	* فراز پنجم: احساس شکوه والدین .....
۵۰.....	رمز موفقیت انسانهای موفق.....
۵۲.....	* فراز ششم: خطاب نرم و دلپذیر.....



- ۵۳..... مرا بابا صدا کن!
- ۵۳..... \* فراز هفتم: سپاس و قدردانی
- ۵۴..... سعدی و مادر پیر
- ۵۴..... سپاس شیخ انصاری از مادر
- ۵۶..... \* فراز هشتم: آموزش والدین
- ۵۶..... آثار ناسپاسی به والدین
- ۵۷..... \* فراز نهم: بخشش اشتباهات والدین
- ۵۸..... حقوق فرزندان بر والدین
- ۵۸..... دعا برای والدین ، وظیفه ی فرزند
- ۵۹..... \* فراز دهم: پاسخ بدی هرگز!
- ۵۹..... محدوده اطاعت
- ۶۱..... \* فراز یازدهم: حقوق جبران ناپذیر
- ۶۲..... فرق خدمات مادر و فرزند
- ۶۲..... \* فراز دوازدهم: امتیاز ویژه به والدین
- ۶۲..... رمز توفیق استاد مطهری (رحمه الله)
- ۶۳..... \* فراز سیزدهم: یاد همیشگی
- ۶۳..... اهمیت یاد پدر و مادر بعد از نمازهای یومیّه
- ۶۷..... \* فراز چهاردهم: والدینم را بهشتی کن!
- ۶۷..... آثاریکی به والدین در فرهنگ اسلامی
- ۷۹..... \* فراز پانزدهم: شفاعت متقابل
- ۷۹..... راه کارهای جبران کرامت های والدین



## پیشگفتار

صحیفه سجادیه، به حق صحیفه دل‌های آسمانی است. کتابی که سطر سطر آن بر صحیفه جان، نور جانان می‌باشد و واژه واژه آن در دل محبان، فروغ یزدان می‌نشانَد.

صحیفه سجادیه، آهنگ پر طراوت هستی است، نغمه پر حلاوت نشاط است، زمزمه پر شور عاشقان و نوای دلنشین ساجدان است.

«توصیه من به شما عزیزان این است که باید اخلاق اسلامی را، هم بشناسیم - همه‌مان؛ این دیگر پیر و جوان ندارد؛ اما جوانها بیشتر و بهترند - و هم تحلی به حلیه‌ی اخلاق پیدا کنیم. هر کسی خودش باید با دل خود، با رفتار خود، به طور دائم مشغول تهذیب و مشغول کشتی گرفتن با بدیها و زشتیهای وجود خودش باشد. دعای شریف مکارم الاخلاق را - که دعای بیستم صحیفه‌ی سجادیه است - زیاد بخوانید تا ببینید آن چیزهایی که امام سجاد (علیه‌السلام) در این دعا از خدا خواسته است، چیست. با دعاهای صحیفه‌ی سجادیه، با این داروهای شفابخشی که می‌تواند بیماریهای اخلاقی ما را شفا بخشد و زخمهای وجود ما را درمان کند، خودمان را آشنا کنیم. قدر بدانید این دعا و توسل و تضرع و توجه و نورانیتی که از این راه حاصل می‌شود.»

بخشی از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

در اجتماع بزرگ اساتید، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم، در مدرسه‌ی فیضیه



# فصل اوّل

پرتوی از زندگینامه امام سجّاد (علیه السلام)





پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) :

« انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتُم بهما لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَی ... کتاب اللّٰه و عترتی اهل بیتی ، و لَنْ یَفْتَرِقَا حَتّٰی یردَا عَلٰی الْاَحْوَضِ فَانظُرُوا کِیفَ تَخْلُفُونِی فِیْهِمَا . »

من در بین شما دو چیز گرانقدر را می گذارم که تا وقتی به آن دو تمسک جوید، بعد از من، هرگز گمراه نمی شوید؛ کتاب خدا و عترت من، خاندان من؛ وازیک دیگر جدا نمی شوند تا در کنارحوض بر من وارد شوند. پس بنگرید که در نبود من (به جای من) چگونه با آنان رفتار می کنید.

### مقدمه

خدای رحمان، جهان را آفرید تا مقدمه پیدایش انسان باشد و انسان را آفرید تا مسیر کمال را پیماید و از دستورات خداوند پیروی کند، تا به سعادت مطلق نایل آید و از آنجا که او موجودی اجتماعی است در رفتار با همنوعان خود ناگزیر از آشنایی با راه و قانون خدا می باشد و شناخت راه، نیاز به راهنما دارد، زیرا از آنجا که ادراکات حسی و عقلی و تجربی انسان ها براساس محدودیت خاص خودشان است و پیوسته دچار اشتباهند، نمی تواند اجتماع را به آن هدف والا رهنمود سازد، پس ناگزیر نیاز بشریت به راهنما، حتمی می شود تا آن دعوتی را که خدا از بشر کرده، طبق خواست خودش اجابت کرده باشد و در پرتو هدایتگری برگزیدگانش، رنگ و بوی الهی به خود گرفته و به سوی رستگاری پیش برود.

راهنما وظیفه دارد امانت خدا را که بر دوش گرفته، آنگونه که شایسته است پیش ببرد و این ممکن نیست جز این که امین و معصوم باشد...

پس خدا برای سعادت دنیا و آخرت انسان، باید راهنما بفرستد و این راهنما باید معصوم باشد و انتخاب شخص معصوم با خداست.

همچنین جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باید تمام صفات و ویژگی های پیامبر، جز وحی و تشریح، را دارا باشد و همانند او بری از خطا و گناه باشد تا بتواند ماموریت خویش را انجام دهد.





خداوند در آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ... » ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده است به مردم برسان و اگر این پیام را نرسانی رسالت او را انجام نداده ای.

این خطاب به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با لحن خاص و تاکید جدی، نشان دهنده آن است که موضوع مهمی مطرح است و باید توجه مردم بر آن جلب گردد و جای هیچ گونه تردیدی نیست که این امر مهم، جز تعیین جانشین پیامبر و موضع گیری برای ادامه و به ثمر رسانیدن امر رسالت، چیز دیگری نبوده است. لذا با عنایت خدای سبحان به شرح حال مختصری از زندگی امام چهارم حضرت سجاد (علیه السلام) می پردازیم. امام سجاد، حضرت علی بن الحسین (علیه السلام)، چهارمین پیشوای شیعه و ششمین آفتاب عصمت است که در بحرانی ترین شرایط تاریخ اسلام عهده دار امر امامت گردید و قافله اهل ولایت را از ظلمات دوران حکومت بنی امیه به سلامت عبور داد و شیعه را از اضمحلال و نابودی مصون داشت.

در روزگاری که همه صداها خاموش شده بود و امویان دارهایی را که برافراشته بودند همچنان برپا نگاه داشته و بر تعداد آنها می افزودند و خونهای مطهری را که ریخته بودند نمی شستند تا درس عبرتی باشد برای همه آنان که هنوز نفسی در سینه دارند و زمزمه ای زیر لب!

آری، امام سجاد (علیه السلام) در چنین روزگاری قافله سالار راهیان نور شد. وقتی نگذاشتند که در روشنایی روز، ندای حقیقت را بر فراز منبر جدش رسول الله (صلی الله علیه و آله) بازگوید، در دلهای شب با دعا و نیایش، عالی ترین رموز دینداری و حق جویی را به یارانش ابلاغ کرد. و با راز و نیازهای شبانه اش، صحیفه ای از معارف و رهنمودها و عبرتها و درسها تدارک دید و با سجده های طولانی، قیامها را شکل بخشید.

او براستی محراب نیایش را به میدان رویارویی با سیاستها و تبلیغات و تعالیم امویان مبدل ساخت و از دعا که نرمترین شیوه گفتاری است حربه ای برنده علیه دشمنان دین و منکران ولایت پدید آورد.

او در مجلس یزید - ظالمانه ترین و بی رحم ترین دادگاه تاریخ - با چنان شهامت و شجاعتی از حریم شهیدان کربلا، دفاع کرد که طنین سخنانش برای همیشه در گوش زمان باقی ماند.

امام سجاد (علیه السلام)، در آن مجلس و نیز در بقیه عمر خویش به اثبات رسانید که در علم، حلم، بخشش، فصاحت، شجاعت و محبوبیت اجتماعی چونان اجداد طاهرنش، سرآمد خلق است.



از آن پس هر گاه صدایش به نیایش بلند می شد، همه دردها و رنجهایی که از سوی غاصبان خلافت و دشمنان ولایت بر خاندان عصمت رفته بود، دوباره مجسم می گردید.  
در نوای گرم دعاهايش پیام توحیدی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و صلابت امیرالمومنین (علیه السلام) و رنجهای حسن بن علی (علیه السلام) و مظلومیتهای حسین (علیه السلام)، سالار شهیدان کربلا، موج می زد.  
در عصر حقوق پایمال شده انسانیت و شرافت و دیانت، رساله حقوق آن گرامی، مایه پند و درس آموزی همه آنان شد که تا همیشه تاریخ در اندیشه تدوین حقوق انسانند.

### آشنائی با سیمای امام سجاد (علیه السلام)

پدر حضرت علی بن الحسین امام چهارم (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام) سومین امام شیعیان جهان و مادرشان شهربانو است.<sup>۱</sup>

امام سجاد (علیه السلام) در سال ۳۸ هجری قمری دیده به جهان گشود.<sup>۲</sup>

دوران کودکی خود را در شهر مدینه سپری کرد، حدود دو سال از خلافت جدش امیرمؤمنان (علیه السلام) را درک نمود و پس از آن مدت ده سال شاهد حوادث دوران امامت عموی خویش حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) بود.

پس از شهادت امام مجتبی (علیه السلام) در سال ۵۰ هجری، به مدت ۱۰ سال در دوران امامت پدرش امام حسین (علیه السلام)، که در اوج قدرت معاویه با او در ستیز و مبارزه بود، کنار او قرار داشت. همچنین در محرم سال ۶۱ هجری در جریان قیام و شهادت پدرش امام حسین (علیه السلام) در سرزمین کربلا حضور داشت.

پس از فاجعه کربلا که امامت به او رسید، همراه دیگر اسیران اردوگاه حسینی، به کوفه و شام برده شد و در این سفر تکیه گاه اسیران در کوران مصیبت ها و گرفتاری ها بود. ایشان در این سفر با سخنرانی های آتشین خود حکومت یزید را رسوا ساخت. پس از بازگشت از شام در شهر مدینه اقامت گزید تا آنکه در سال ۹۵ هجری به شهادت رسید و در قبرستان معروف بقیع در کنار قبر عمویش امام حسن (علیه السلام) به خاک سپرده شد.

۱ - کافی، ج ۱، ص ۴۶۷

۲ - کافی، ج ۱، ص ۴۶۶



## نام، کنیه و القاب حضرت سجاد (علیه السلام)

نام مبارک ایشان علی است.

کنیه آن حضرت ابوالحسن و ابومحمد است .

القاب مشهوره ی آن حضرت زین العابدین و سید الساجدین ، سیدالعابدین و... .

ابن بابویه از حضرت باقر (علیه السلام) روایت کرده است : پدرم علی بن الحسین (علیه السلام) هرگز یاد نعمتی از خدا را نکرده مگر اینکه سجده کرد برای شکر آن نعمت و هرگز آیه ای از کتاب خدا را نخواند، مگر آنکه سجده کرد و هرگاه حق تعالی از او بدی را دفع می کرد که از او در بیم بود یا مکر مکرکننده ای را از او می گردانید سجده می کرد و هرگاه توفیق می یافت میان دو کس را اصلاح کند، برای شکر آن سجده می کرد و اثر سجده در جمیع مواضع سجده آن حضرت بود، و به این سبب آن حضرت را سجاد می گفتند .

رُهری از سفیان بن عُیینَه پرسید : چرا ایشان را زین العابدین می گویی؟ گفت : شنیده ام از ابن عباس ، که حضرت رسول فرمودند : در روز قیامت منادی ندا کند، کجاست زین العابدین ، گویا می بینم فرزندم علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب (علیه السلام) در آن هنگام با تمام وقار و سکون صفوف اهل محشر را بشکافد و بیاید و در کشف الغمه است : سبب ملقب شدن آن حضرت به زین العابدین ، آن است که شبی آن جناب در محراب عبادت به تهجد ایستاده بود، پس شیطان به صورت مار عظیمی ظاهر شد و پای حضرت را گزید به نحوی که حضرت ناراحت شد ولی توجه نکرد و پس از آنکه از نماز فارغ شد، فهمید که او شیطان است، پس فرمود: دور شو ای ملعون) و باز متوجه عبادت خود شد. پس شنید که هاتفی سه مرتبه او را ندا کرد : اَنْتَ زینُ العابدین ، تو زینت عبادت کنندگانی؛ پس این لقب ظاهر و در میان مردم مشهور گشت .<sup>۳</sup>

بیشتر کسانی که این لقب ها را به حضرت داده اند، شیعه و محب حضرت نبودند ؛ اما نمی توانستند آنچه را در او می بینند نادیده بگیرند، هر یک از این لقب ها نشان دهنده مرتبه ای از کمال نفس و درجه ای از ایمان و مرحله ای از تقوا و پایه ای از اخلاص است و بیان دارنده اعتماد و اعتقاد مردم به دارنده این لقب ها است : سید عابدان، پیشوای زاهدان ، مهتر پرهیزکاران ، امام مؤمنان و... و واقعا امام سجاد (علیه السلام) مظهر همه این صفات بودند.

۳ - منتهی الامال ص ۷۳۹ علل الشرایع ص ۳۰ ، باب ۱۶۵



## همسر امام زین العابدین (علیه السلام)

از جمع زنان صدر اسلام، شخصیت‌هایی وجود دارند که درخشش معنویتشان در سراسر تاریخ اسلام پرتو افکنده است.

یکی از این فرزندان دختر امام مجتبی (علیه السلام) همسر امام سجاد (علیه السلام) و مادر امام باقر (علیه السلام) است.

این بانوی کریمه، فاطمه نام داشت که معنویت او در طول تاریخ اسلام نورافشانی کرده است، از خاندان پاک رسالت و عصمت است. و در شرافت و حیاء و عفت سرآمد زنان عصر خود بوده است.

این ریحانه امام حسن مجتبی (علیه السلام) صاحب مقامات معنوی و کرامات بوده است. به گونه ای که با اشاره

دستش دیوار در حال ریزش بین زمین و آسمان معلق ماند. مقام والای او آن چنان است که تا مرز عصمت

پیش رفته است و نسبتی این چنین شایسته دارد: دختر، همسر و مادر امام؛ کسانی که آیه تطهیر در شأن و

مقامشان نازل شده است. در خانه هایی زندگی می کرده که اهل آن، در عبادت، از برگزیدگان خلق بوده اند.<sup>۴</sup>

و از جهتی این بانوی بزرگوار، مصداق «ارحام مطهره» است که در زیارت وارث وارد شده است.

فاطمه، دختر، همسر و مادر امام؛ کسانی که آیه تطهیر در شأن و مقامشان نازل شده است، در خانه هایی

زندگی می کرد که اهل آن، در عبادت از برگزیدگان خلق بودند.<sup>۵</sup>

## حاکمان هم عصر امام سجاد (علیه السلام)

زندگانی امام سجاد (علیه السلام) با حکومت عده ای از حاکمان ستمگر اموی مقارن بود که عبارتند از:

۱- یزید بن معاویه (۶۰-۶۴ ه.ق)

۲- معاویه بن یزید (۶۴-۶۵)

۳- مروان بن حکم (نه ماه از سال ۶۵)

۴- عبد الملک بن مروان (۶۵-۸۶)

۵- ولید بن عبد الملک (۸۶-۹۶)

۴- آیه ۳۶، سوره نور

۵- ارشاد شیخ مفید، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ص ۲۵۳؛ بحار الانوار، مجلسی، المكتبة الاسلامیه، ج ۴۶، ص ۱۲.



آن حضرت، در سال ۲۵ محرم سال ۹۵ هجری در سن ۵۶ سالگی در مدینه منوره، توسط هشام بن عبدالملک به شهادت رسید و در قبرستان بقیع در کنار قبر عمویش امام حسن مجتبی (علیه السلام) به خاک سپرده شد.<sup>۶</sup>

## دفاع فرهنگی در عصر استبداد

پیشوای چهارم شیعیان بعد از حضور در حماسه افتخار آفرین و عزت بخش عاشورای حسینی، از لحظه ای که در غروب عاشورا با شهادت پدر بزرگوار و سایر عزیزانش مواجه گردید برای ادامه راه آنان، مسئولیت سنگینی را به دوش کشید. امامت امت، سرپرستی اطفال و بانوان، رساندن پیام عاشورا به گوش جهانیان، تداوم مبارزه با طاغوت و طاغوتیان و از همه مهمتر پاسداری از اهداف متعالی امام حسین (علیه السلام) که موجب عزت و افتخار عالم اسلام گردید، از جمله مسئولیتهای آن امام همام به شمار می آید. امام سجاد (علیه السلام) در دوران امامت خویش در محدودیت شدیدی به سر می برد.

امام درباره وضعیت نابسامان عصر خود می فرماید: «روزگار ما در میان قوم خود، چون روزگار بنی اسرائیل در میان فرعونیان است که پسران را می کشتند و دختران را زنده به گور می کردند. امروز وضع بر ما به قدری تنگ و دشوار است که مردم به سبب ناسزاگویی به بزرگ و سالار ما، بر فراز منبرها به دشمنان ما تقرب می جویند.»<sup>۷</sup>

در آن زمان که حاکمان مستبد اموی سایه شوم خود را بر شهرهای اسلامی گسترده بودند و اهل ایمان از ترس مال و جان خود مخفی می شدند، امام سجاد (علیه السلام) با اتخاذ صحیحترین تصمیمها و موضعگیریهای مناسب و بجا و با استفاده از مؤثرترین شیوه ها توانست از فرهنگ اسلام و دستاوردهای ارزشمند آن - که همان عزت و افتخار ابدی برای مسلمانان و بلکه برای جهان بشریت بود - به صورت شایسته ای پاسداری نماید. در این فرصت با سیره و زندگی آن گرامی بیشتر آشنا می شویم.

۶- ارشاد شیخ مفید، همان، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، همان.

۷- سیره پیشوایان، به نقل از ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۲۰



## خطابه‌های حماسی و تأثیر گذار

بدون تردید روشنگریهای امام سجاد (علیه السلام) و حضرت زینب کبری (علیها السلام) و برخی دیگر از خاندان حضرت ابا عبدالله (علیه السلام) بعد از ماجرای غمبار کربلا در تداوم آن نهضت عظیم اسلامی نقشی به سزا داشته است .

مهمترین دستاورد سخنان آن بزرگوار آگاه نمودن مردم غفلت زده، بیدار کردن وجدانهای خفته، افشای جنایات دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)، نمایاندن چهره حقیقی زمامداران ستمگر اموی و انتشار فضائل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) و معرفی آن گرامیان به عنوان جانشینان بر حق پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود. امام سجاد (علیه السلام) در شهر کوفه با مردم ساده، سطحی نگر، تاثیرپذیر و پیمان شکن آن شهر سخن گفته و بعد از شناساندن خویش و افشای جنایات امویان فرمود: ای مردم! شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا شما برای پدرم نامه ننوشتید و آنگاه بی وفایی نکردید؟! آیا با او عهدها و پیمانهای محکم نبستید و سپس با او پیکار کرده و او را به شهادت رساندید؟! وای بر شما! چه کار زشتی انجام دادید، شما چگونه به سیمای رسول الله (صلی الله علیه و آله) نظاره خواهید کرد، هنگامی که به شما بگوید: فرزندان مرا کشتید، احترامم را از میان بردید، پس، از امت من نیستید!

هنوز سخنان امام تمام نشده بود که مردم گریه کنان و ضجه زنان همدیگر را ملامت کرده و به نگون بختی خود، - که خود برگزیده بودند - تاسف خورده و اشک ندامت و پشیمانی می‌ریختند.<sup>۸</sup> مهمترین تأثیر این خطابه را می‌توان در سال ۶۵ هجری در قیام توابین به وضوح به نظاره نشست .

همچنین پیشوای چهارم هنگامی که در شام به مجلس جشن پیروزی یزید برده شد، ضمن تحقیر خطیب متملق دربار اموی، در کرسی خطابه قرار گرفته و با بهره‌گیری از زیباترین و بلیغ‌ترین جملات، فجایع کربلا را بازگو کرده و ضمن افشای چهره زشت جنایتکاران، تبلیغات سوء دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) را خنثی کرده و سیمای سراسر فضیلت و افتخار آل محمد (صلی الله علیه و آله) را برای مردم نا آگاه شام نمایان ساخت . آن حضرت فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ، أَعْطَيْنَا سِتًّا وَ فَضَّلْنَا بِسَبْعٍ، أُعْطِينَا الْعِلْمَ وَ الْحِلْمَ وَ السَّمَاةَ وَ الْفَصَاةَ وَ الشَّجَاعَةَ وَ الْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ فَضَّلْنَا بِأَنَّ مِنَ النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ مُحَمَّدًا، وَ مِنَ الصَّدِيقِ، وَ مِنَ الطَّيَّارِ، وَ مِنَ أَسَدِ اللَّهِ وَ أَسَدِ رَسُولِهِ، وَ مِنَ سِبْطِ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛<sup>۹</sup> ای مردم! به ما شش چیز عطا شده و به هفت نعمت [بر دیگران] برتری یافته‌ایم . به ما علم، حلم، جوانمردی، فصاحت، شجاعت و دوستی در دل مؤمنان عطا شده است و ما به اینکه رسول برگزیده خداوند،

۸ - احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲ .

۹ - مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۰۵؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۷ و ۱۷۴؛ معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۷۸



حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و وامیر المومنین نخستین تصدیق کننده پیامبر (صلی الله علیه و آله) و جعفر طیار و [حمزه،] شیر خدا و رسول او و حسن و حسین (علیهما السلام) و مهدی این امت از ما هستند، فضیلت داده شده ایم. آن حضرت در ادامه به فضائل بی شمار امیرمؤمنان (علیه السلام) پرداخته و از چهره درخشان علی (علیه السلام) به نحو زیبایی دفاع نموده و در خاتمه با معرفی امام حسین (علیه السلام) به ذکر مصیبت آن حضرت پرداخت. این سخنان آتشین، منطقی و روشنگر، آنچنان فضای جهل و غفلت و خفقان را درهم شست که یزید در مقام دفاع از خود و سلطنتش برآمد.<sup>۱۰</sup>

امام سجاد (علیه السلام) خطبه دیگری را نیز در نزدیکی مدینه برای مردمی ایراد نمود که به استقبال قافله خسته دل و دل شکسته حسینی آمده بودند. این خطابه نیز آثار فراوانی در روحیه مردم مدینه گذاشت که یکسال بعد از حادثه عاشورا، قیام خودجوشی از سوی اهالی مدینه بر علیه دستگاه طاغوتی بنی امیه رخ نمود که به واقعه حره معروف است.

### گفتگوهای دشمن شکن

امام چهارم (علیه السلام) در پاسداری از اهداف عاشورا هر جا که احساس می کرد دشمن می خواهد قیام کربلا را زیر سؤال برده و آن حماسه تاریخی را پوچ و باطل جلوه دهد، در مقام دفاع برآمده و با پاسخهای کوبنده با نقشه های شیطانی آنان به ستیز بر می خواست که بارزترین نمونه های آن در مجلس عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه به چشم می خورد. هنگامی که در مجلس ابن زیاد، حضرت زینب کبری (علیها السلام) وی را با نطق خویش رسوا نمود، ابن زیاد متوجه امام زین العابدین (علیه السلام) گشته و پرسید: این جوان کیست؟ گفتند: او علی بن الحسین (علیهما السلام) است. ابن زیاد گفت: مگر خدا علی بن الحسین را نکشت؟ امام چهارم (علیه السلام) فرمود: من برادری بنام علی بن الحسین داشتم که مردم او را به شهادت رساندند.

ابن زیاد گفت: چنین نیست، خدا او را کشت.

امام سجاد (علیه السلام) آیه «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ...» را قرائت نمود. ابن زیاد از پاسخ صریح امام خشمگین شده و فریاد زد: آیا در مقابل من جرأت کرده و پاسخ می دهی؟ او را ببرید و گردن بزنید. حضرت سجاد (علیه السلام) در



ادامه گفتگو فرمود: **أَبِالْقَتْلِ تَهْدَدُنِي يَا ابْنَ زِيَادٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةٌ وَكَرَامَتُنَا الشَّهَادَةُ؛**<sup>۱۱</sup> ای پسر زیاد! آیا مرا به قتل تهدید می‌کنی؟ مگر نمی‌دانی کشته شدن [در راه حق] عادت ما و شهادت برای خدا عزت و کرامت ماست.

آن حضرت در مجلس یزید نیز با اینکه اسیر بود، هیچگاه حرکت و یا سخنی که نمایانگر عجز و خواری باشد از خود نشان نداد؛ بلکه همانند آزاده‌ای با شهامت، عزت و افتخار حسینی را به نمایش گذاشت. آنگاه که یزید در مجلس خویش اسرای کربلا را برای تحقیر و شکستن ابهت و عظمت‌خاندان آل محمد (صلی الله علیه و آله) حاضر کرده بود، خطاب به امام سجاد (علیه السلام) گفت: دیدی که خدا با پدرت چه کرد؟ حضرت فرمود: ما جز قضای الهی که حکمش در آسمان و زمین جریان دارد چیز دیگری ندیدیم. یزد گفت: أنت ابن الذی قَتَلَهُ اللهُ؛ تو فرزند کسی هستی که خدا او را کشت.

امام فرمود: **أنا علی، ابن من قتلته، من علی، فرزند کسی هستم که تو او را به شهادت رساندی.** همچنین امام در ادامه با تمسک به آیه قرآن فرمود: **وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا**<sup>۱۲</sup>؛ و هر کس، مؤمنی را عمداً به قتل برساند مجازات او جهنم است، در آنجا همیشه می‌ماند، خداوند بر او غضب می‌کند و از رحمتش دور می‌سازد و عذاب بزرگی برای او آماده کرده است. یزید که نتوانست این پاسخهای محکم را - که جهنمی بودن وی را اثبات می‌کرد - تحمل کند، با خشم و غضب فرمان قتل امام را صادر کرد، اما امام سجاد (علیه السلام) با قاطعیت تمام فرمود: هیچگاه «فرزندان اسیران آزاد شده» نمی‌توانند به قتل انبیاء و اوصیا فرمان دهند، مگر اینکه از دین اسلام خارج شوند.<sup>۱۳</sup>

### اشک های مؤثر

امام سجاد (علیه السلام) برای زنده نگه داشتن خاطره شهیدان کربلا، در مناسبتهای گوناگون بر عزیزانش گریه می‌کرد. اشکهای حضرت زین العابدین (علیه السلام) که عواطف را برانگیخته و در اذهان مخاطبان، ناخواسته مظلومیت شهدای کربلا را ترسیم می‌کرد، آثار پرباری برای تداوم نهضت عاشورا داشت و امروز این روش با

۱۱ - همان، ص ۲۹۶.

۱۲ - نساء/۹۳.

۱۳ - شرح الاخبار مغربی، ج ۳، ص ۲۵۳؛ ذریعة النجاة، ص ۲۳۴.





پیروی از آن گرامی همچنان ادامه دارد و فرهنگ گریه بر سالار شهیدان عالم، همچنان تاثیرگذار بوده و در پیوند دادن عواطف و احساسات میلیونها عزادار عاشق با راه و هدف حضرت ابا عبدالله (علیه السلام) مهمترین عامل محسوب می‌شود. عشق به امام حسین (علیه السلام) در سوگواریها اشک می‌آفریند و این گریه‌های عزت بخش که افتخار شیعه می‌باشند هر سال در دهه محرم سیمای کشور اسلامی را به حماسه عاشورا نزدیک نموده و قیام امام حسین (علیه السلام) را در خاطره‌ها زنده می‌سازد. حضرت سجاد (علیه السلام) بنیانگذار فرهنگ سوگواری و گریه در میان مؤمنان، بعد از شهادت پدر ارجمند خویش در حدود ۳۵ سال امامتش به این روش ادامه داد تا جایی که یکی از گریه کنندگان پنجگانه تاریخ نامیده شد.<sup>۱۴</sup> وقتی علت این همه اشک و ناله را از او می‌پرسیدند در جواب می‌فرمود: مرا ملامت نکنید. یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم، پیامبر و پیامبرزاده بود، او دوازده پسر داشت، خداوند متعال یکی از آنان را مدتی از نظرش غایب کرد، در اندوه این فراق موقتی، موهای سر یعقوب سفید شده، کمرش خمیده گشت و نور چشمانش را از شدت گریه از دست داد، در حالیکه پسرش در این دنیا زنده بود. اما من با چشمان خودم پدر و برادر و ۱۷ تن از خانواده‌ام را دیدم که مظلومانه کشته شده و بر زمین افتادند. پس چگونه اندوه من تمام شده و گریه‌ام کم شود؟<sup>۱۵</sup>

### حمایت معنوی از قیامهای طاغوت ستیز

یکی از آثار نهضت جاویدان کربلا، دمیدن روح حماسه و شجاعت و ایثار در میان مسلمانان بود. آنان بالهام از جنبش شورآفرین و حماسه‌ساز امام حسین (علیه السلام) و با تاثیرپذیری از خطابه‌های بیدارگر امام سجاد و حضرت زینب (علیها السلام) روحیه اسلام خواهی و طاغوت ستیزی خود را در قالب قیامهای مردمی متبلور ساخته و بر علیه حکمرانان خودسر اموی دست‌به‌شورشهایی زدند که در نهایت بعد از مدتی اساس حکومت آنان را متزلزل ساخته و از میان بردند.

شاخصترین این جنبشها بعد از حادثه جانسوز کربلا، سه قیام معروف است که به نامهای قیام توابین، قیام مختار و قیام مدینه در تاریخ مطرح است. رهبران سه قیام، تداوم راه حضرت ابا عبدالله (علیه السلام)، غیرت دینی، اسلام خواهی و در نهایت محبت‌شدید به اهل بیت (علیهم السلام) را در شعارها و خواسته‌های خود نشان می‌دادند

۱۴- امالی صدوق، ص ۱۴۰.

۱۵- لهوف سید بن طاووس، ص ۳۸۰.



امام سجاد (علیه السلام) گرچه در ظاهر - به علت خفقان شدید و استبداد حاکم - در این قیامها نقشی نداشت و در حالت تقیه به سر می‌برد، اما در واقع از رهبران اینها اعلام رضایت کرده و عملاً آنها را تایید می‌نمود. به عنوان نمونه هنگامی که عده‌ای از دوستان اهل بیت (علیهم السلام) به نزد محمد حنفیه آمدند و اظهار داشتند: مختار در کوفه قیام کرده و ما را نیز به همیاری و همکاری فراخوانده است، اما نمی‌دانیم که آیا او مورد تایید اهل بیت (علیهم السلام) هست یا نه؟ محمد حنفیه گفت: برخیزید به نزد امام من و امام شما، حضرت سجاد (علیه السلام) رفته و کسب تکلیف نماییم. هنگامی که موضوع را به عرض امام (علیه السلام) رساندند، آن حضرت فرمود: ای عمو! اگر غلامی به خونخواهی ما مردم را دعوت به قیام کند، بر همه مردم واجب است که او را یاری دهند و من تو را در این کار نماینده خود قرار می‌دهم، هر کاری در این زمینه صلاح می‌دانی انجام ده. آنان به همراه محمد حنفیه از نزد امام خارج شدند، در حالیکه سخنان امام را شنیده بودند و می‌گفتند: امام سجاد (علیه السلام) و محمد بن حنفیه به ما اذن قیام داده‌اند.<sup>۱۶</sup>

### نیایش‌های عارفانه و بیدارگر

از بهترین روشهای امام سجاد (علیه السلام) برای پاسداری از فرهنگ عاشورایی اسلام، که حکایت از بینش عمیق و زمان‌شناسی آن حضرت دارد، عرضه نیایشهای عرفانی و روشنگر می‌باشد. دعاهای حضرت سجاد (علیه السلام) که در مجموعه‌های ارزشمندی همچون صحیفه سجادیه، مناجات خمسۀ عشر، دعای ابو حمزه ثمالی، نیایشهای روزانه و... گرد آمده است، دل هر شنونده عارف و اندیشمندی را می‌لرزاند و توجه به معانی بلند و با شکوه آن، تشنگان وادی کمال و معرفت را سیراب می‌سازد. در لابه‌لای این عبارات وحی گونه، - گذشته از اینکه مملو از حقایق و معارف حیاتبخش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و آدمی را با توجه دادن به شگفتیهای آفرینش، با خالق هستی مرتبط ساخته و به روح و جانش صفا می‌بخشد - فلسفه قیام حسینی تبیین می‌گردد و انسان نیایشگر ناخواسته از حالت انزوا و خمودی به صحنه مبارزه با طاغوت و ستمگران سوق داده شده و راه عزت حقیقی به وی نشان داده می‌شود.

در حقیقت آمیزش عرفان و حماسه یکی از بارزترین جلوه‌های معنوی فرهنگ عاشورا است، همچنانکه سید بن طاووس در مورد عرفان و معنویت عاشورائیان می‌نویسد: در شب عاشورا، امام حسین (علیه السلام) و یارانش

۱۶- ذوب النصار، ص ۹۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۱۰۹.



آنچنان به عبادت و مناجات مشغول بودند که زمزمه‌های عاشقانه آنان همانند صدای زنبور عسل به گوش هر شنونده‌ای می‌رسید. برخی در حال رکوع وعده‌ای در حال سجده و یا در قیام و قعود بودند.<sup>۱۷</sup>

این نیایشگران عارف همان کسانی بودند که فردای آن روز آنچنان جانبازی کرده و حماسه آفریدند که اهل آسمان و زمین را به تحیر واداشتند. امام سجاد<sup>(علیه السلام)</sup> میراث‌دار این قافله حماسه و عرفان و عشق بود که برای احیا و پاسداری از آن، در مقابل شیطان و شیطان صفتان جبهه‌ای باطنی گشود و ارتباط حقیقی با آفریدگار جهان را به عنوان یکی از علل و عوامل قیام عاشورا برای تمام انسانهای خداجو و حقیقت طلب عرضه نمود و از این طریق عزت واقعی را به آنان شناساند که «ان العزة لله جميعا»<sup>۱۸</sup> به درستی که همه عزت از آن خداوند است.

امام سجاد علیه السلام در بخشی از دعای ۴۸ صحیفه سجادیه به تبیین جایگاه امامان شیعه و مظلومیت آنان پرداخته و عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ مَوَاضِعِ أُمَنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَزَوْهَا» بارالها! این مقام [امامت] شایسته جانشینان و برگزیدگان و امنای تو در درجات بلندی است که خودت آنان را به آن اختصاص داده‌ای [و غاصبان] آن را به غارت برده‌اند.

آن حضرت در فرازی از مناجات محبین به عاشقان عارف و حقیقت طلب چنین می‌آموزد: إلهي مَنْ ذَا الَّذِي ذاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا وَمَنْ ذَا الَّذِي أُنِسَ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَغِي عَنْكَ حَوْلًا إلهي فَاجْعَلْنَا مِمَّنِ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَايَتِكَ وَأَخْلَصْتَهُ لِرُؤُوسِكَ وَمَحَبَّتِكَ وَشَوَّقْتَهُ إِلَى لِقَائِكَ<sup>۱۹</sup> خداوندا! کیست که شیرینی محبتت را چشیده باشد و بجای تو دوستی دیگران را برگزیده باشد، و کیست که به مقام قرب تو مانوس شده و [بعد از آن] لحظه‌ای از تو روی گردانیده باشد؟! بارالها! ما را از کسانی قرار ده که برای قرب و دوستی خودت برگزیده‌ای و آنان را برای مهر و محبت خود خالص گردانیدی و آنان را برای ملاقات خود شائق ساختی.

مهمترین نکته‌ای که در نیایشهای امام جلب توجه می‌کند، اهتمام آن حضرت به صلوات بر محمد و آل اوست که با توجه به عصری که مبارزه با اهل بیت<sup>(علیهم السلام)</sup> و یاران آنان در راس برنامه‌های حکومت اموی بوده است و حتی لعن حضرت علی<sup>(علیه السلام)</sup> و خاندانش همچنان ترویج می‌شد، شایان دقت است. همچنین نمایاندن

۱۷ - لهوف، ابن طاووس، ص ۱۷۲.

۱۸ - یونس/۶۵.

۱۹ - مفاتیح الجنان، مناجات نهم.



عظمت اهل بیت (علیهم السلام) ، ارزش محبت آنان و توسل به آنان در آن دوران نوعی مبارزه با دشمنان و مخالفین ایشان به شمار می‌آید.

### نظریه های علمی در صحیفه سجادیه

از همه مهمتر اشاره امام سجاد (علیه السلام) در بین همین دعاها به مهمترین حقایق و نظریه های علمی است که دانشمندان برجسته جهان بعد از قرن ها آن را کشف کرده اند . به عنوان نمونه می توان به وجود میکروب و با در آب اشاره کرد که امام سجاد (علیه السلام) قرن ها قبل از دانشمندان اروپائی آن را اعلام کرده است . امام در مناجات ۲۷ صحیفه سجادیه که در مورد مرزداران اسلامی دعا می کند ، به دشمنان اسلام اشاره کرده و می فرماید : **اللَّهُمَّ وَ امْرُجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَ اطْعِمْتَهُمْ بِالْأَذْوَاءِ؛** خدایا، آب‌هایشان را به وبا بیالای و خوراک‌هایشان به دردها بیامیز!

### حکومت معنوی در عصر خفقان

از مهم ترین رازهای توفیق پیشوایان معصوم (علیهم السلام) در طول حیات و بعد از شهادت آن بزرگواران، جایگاه معنوی و شخصیت والایشان در قلوب انسان های مشتاق فضائل و کمالات بوده است. از آنجا که حضرات معصومین (علیهم السلام) هر کدام در عصر خویش به عنوان اسوه کامل انسانیت و بارزترین نمونه کمالات و صفات انسانی بوده اند و عموم مردم فطرتاً چنین صفاتی را دوست دارند؛ به این جهت، به امامان معصوم (علیهم السلام) به دیده محبت و عشق می‌نگریسته‌اند. حتی دشمنان آن بزرگواران با اعتراف به این حقیقت انکارناپذیر، بارها زبان به ستایش پیشوایان معصوم گشوده و مناقب و افتخارات آنان را به دیگران یادآور شده اند. مروری کوتاه بر جایگاه معنوی حضرت زین العابدین (علیه السلام) در جامعه آن عصر این حقیقت را بیشتر می نمایاند و برخی از علل محبوبیت آن پیشوای راستین خلق در دل‌های مشتاق را روشن می کند. امید است ما نیز با پرورش محبت روزافزون آن امام همام، دل‌هایمان را از زنگار جهل و خرافه ها زدوده و در پرتو دوستی اهل بیت (علیهم السلام) گام‌های سعادت آفرین به سوی کمال برداریم. <sup>۲۱</sup> ان شاء الله

۲۰ - صحیفه سجادیة ، دعای ۲۷ فرآز ۱۲.

۲۱ - ناگفته نماند که مقصود ائمه اطهار علیهم السلام جلب رضایت مخلوق در مقابل سخط و خشم خالق نبوده است؛ زیرا:

الف) ساختار شخصیت آن بزرگواران و رفتار و کردارهای بسندیده شان طبیعتاً با فطرت مردم سازگار بوده و انسان های پاک فطرت و عموم مردم عادی به دیده





## کارآمدترین شیوه تربیتی

از عوامل مهمی که شخصیت والای حضرت سجاد (علیه السلام) را در منظر دیگران محبوب ساخته بود و اطرافیان، دوستان، غلامان و کنیزان آن حضرت با تمام وجود به امام عشق می ورزیدند، خصلت پسندیده «عفو، گذشت و جوانمردی» بود. در این راستا امام سجاد (علیه السلام) از یک شیوه کارآمد و پسندیده تربیتی بهره می گرفت. امام صادق (علیه السلام) فرمود: در طول ماه مبارک رمضان، حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) در مورد غلامان و کنیزان و سایر زیردستان خود روش عفو و گذشت را به کار می گرفت به این ترتیب که هرگاه غلامان و کنیزان آن حضرت خطائی را مرتکب می شدند، آنان را تنبیه نمی کرد.

جوانمرد باشی دو گیتی تو راست      دو گیتی بود بر جوانمرد راست

آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفتری ثبت کرده و تخلفات هرکس را با نام و موضوع تخلف مشخص می نمود. در آخر ماه همه آنان را جمع کرده و در میان آنان می ایستاد. آنگاه از روی نوشته، تمام خطاها و اشتباهاتشان را که در طول ماه رمضان مرتکب شده بودند، برایشان یادآور می شد و به تک تک آنان می فرمود: فلانی! تو در فلان روز و فلان ساعت تخلفی کردی و من تو را تنبیه نکردم، آیا به یاد می آوری؟! فرد خطاکار هم می گفت: بلی، ای پسر رسول خدا! و تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می شد و آنان به اشتباهات و خطاهای خود اعتراف می کردند.

آنگاه به آنان می فرمود: با صدای بلند به من بگویید: ای علی بن الحسین! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است چنان که تو اعمال ما را نوشته ای؛ نزد خداوند نامه اعمالی هست که با تو به حق سخن می گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فروگذاری نمی کند، و هرچه انجام داده ای، به حساب آورده و تمام

محبت و احترام به آنان می نگرستند.

ب) چون امامان معصوم علیهم السلام برای هدایت مردم و پیشبرد مقاصد الهی خود به مقبولیت اجتماعی نیاز داشتند تا آنجا که اهداف الهی و اصول مسلم اسلام اجازه می داد، سعی می کردند افکار عمومی و رضایت مردم را در راستای ارزش های معنوی جلب کرده و آنان را در مقابل اهل باطل بسیج نمایند. چنان که بارها از این نیروی عظیم بر ضدّ ستمگران و زورگویان بهره می بردند.

البته هرگاه هم که مردم آن بزرگواران را همراهی نمی کردند، ائمه اطهارعلیهم السلام به دنبال اهداف الهی خود می رفتند و از مردم زمانه خود که جانب باطل را انتخاب کرده بودند، فاصله می گرفتند.



اعمال را نزد او حاضر و آماده خواهی یافت، همچنان که ما اعمال خود را در نزد تو آماده و ثبت شده دیدیم. پس ما را ببخش همان طور که دوست داری خدا تو را ببخشد.

ای علی بن الحسین! به یاد آر، آن حقارت و ذلّتی را که فردای قیامت در پیشگاه خدای حکیم و عادل خواهی داشت؛ آن پروردگار عادل و حکیمی که ذره ای و کمتر از ذره ای به کسی ستم روا نمی دارد و اعمال بندگان را همچنان که انجام داده اند، به آنان عرضه خواهد کرد و حسابگری و گواهی خدا کافی است. پس ببخش و عفوکن تا پادشاه روز قیامت از تو عفو کرده و درگذرد. چنان که خودش در قرآن می فرماید:

« وَليَعْفُوا وَ لِيُصْفَحُوا اِلَّا تُحِبُّوْنَ اَنْ يُعْفِرَ اللهُ لَكُمْ وَاللهُ غَفُوْرٌ رَحِيْمٌ »<sup>۲۲</sup> باید ببخشند و عفو کنند. آیا دوست ندارید خداوند شما را بیامرزد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است.

امام سجاد<sup>(علیه السلام)</sup> این کلمات را برای خویش و غلامان و کنیزانش تلقین می کرد و آنان باهم تکرار می کردند و خود امام<sup>(علیه السلام)</sup> که در میان آنان ایستاده بود، می گریست و با لحنی ملتسانه می گفت: « رَبِّ! اِنَّكَ اَمَرْتَنَا اَنْ نَعْفُوْا عَمَّنْ ظَلَمْنَا فَنَحْنُ قَدْ عَفَوْنَا عَمَّنْ ظَلَمْنَا كَمَا اَمَرْتَنَا، فَاعْفُ عَنَّا فَاِنَّكَ اَوْلَىٰ بِذٰلِكَ مِنَّا وَ مِنْ اَلْمَأْمُوْرِيْنَ »<sup>۲۳</sup> پروردگارا! تو به ما فرمودی از ستمکاران خویش درگذریم، همان طور که فرمودی، ما از کسانی که به ما ستم کرده اند، درگذشتیم، توهم از ما درگذر! که در عفو کردن از ما و از تمام مأموران برتری.»

پس از این برنامه عرفانی و تربیتی، امام سجاد<sup>(علیه السلام)</sup> خطاب به خدمتگزاران خویش می فرمود: من شما را عفو کردم، آیا شما هم من و بد رفتاری های مرا که فرمانروای بدی برای شما و بنده ی فرومایه ای برای فرمانروای بخشاینده عادل و نیکوکار بوده ام، ببخشید؟!

همگی یکصدا می گفتند: با اینکه ما از تو، جز خوبی ندیده ایم، تو را ببخشیدیم. آنگاه به آنان می فرمود: بگویید: خداوند! از علی بن الحسین درگذر! همان طور که او از ما درگذشت. او را از آتش جهنم آزاد کن، همان طور که او ما را از بردگی آزاد کرد. آنان دعا می کردند و امام چهارم<sup>(علیه السلام)</sup> آمین می گفت و در پایان می فرمود: بروید! من همه شما را عفو کردم و آزادتان می کنم به امید اینکه خدا نیز عفو کرده و آزادم کند.

۲۲- سوره نور، آیه ۲۲.

۲۳- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۴.



## تربیت انسان های صالح

حضرت زین العابدین (علیه السلام) در روز عید فطر آنقدر به خدمتگزاران خود جایزه و هدیه می بخشید که از دیگران بی نیاز می شدند. سیره امام سجاد (علیه السلام) چنان بود که هرگاه بنده ای را در اوّل سال یا وسط سال مالک می شد، بعد از یک دوره آموزش و اعمال شیوه های تربیتی صحیح، در شب عید فطر آزادش می کرد. آن بزرگوار بندگان سیاه را که هیچ گونه نیازی به آنان نداشت، می خرید و در عرفات بعد از مراسم عرفه همراه هدایای قابل توجهی آزادشان می ساخت.<sup>۲۴</sup> و به این ترتیب امام، بردگان را نه تنها در بُعد جسمانی بلکه از افکار و اندیشه های خرافی، جهل و غفلت رها می ساخت. لذا تربیت یافتگان مکتب حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) از ذلت غفلت و خرافه پرستی به اوج عزت معنوی و عرفانی نائل می شدند. و بیچاره ترین بردگان عصر آن حضرت در اثر ارتباط با درگاه امامت، به رهبران جامعه و عارفان خداجوی و عالمان ربّانی مبدّل می گشتند.

سعید بن جبیر، سعید بن مسیب، ابواسحاق بن عبدالله سبّعی، سالم بن ابی حفصه، شرحبیل بن سعد، عبدالله بن دینار، ابو خالد کابلی، محمد بن شهاب زهري، معروف بن خربوذ مکی، یحیی بن امّ طویل، حبابه والبیّه و...<sup>۲۵</sup> از جمله تربیت یافتگان مکتب حضرت سجاد (علیه السلام) می باشند.

## یاران و شاگردان حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)

شیخ طوسی در حدود ۱۷۰ نفر از یاران و شاگردان آن حضرت را فهرست کرده است که بیشتر آنان از امام سجاد (علیه السلام) بهره های علمی برده و روایت نقل کرده اند. در اینجا به چند تن از چهره های معروف آنان اشاره می کنیم:

۱- ابو حمزه ثمالی: وی رهبری شیعیان کوفه را به عهده داشت و در علم حدیث و تفسیر به مراتب عالی دست یافته و مورد علاقه و اعتماد امامان معصوم (علیهم السلام) قرار گرفته بود. ابو حمزه از جمله یاران نزدیک امام بود که امام سجاد (علیه السلام) برای اولین بار قبر امام علی را - که تا آن زمان نامعلوم بود - به وی شناساند و او به همراه شماری از فقیهان شیعه به زیارت حضرت علی (علیه السلام) می رفت. تفسیر قرآن، کتاب نوادر، کتاب

۲۴- اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۴۴۶.

۲۵- رجال الشیخ، اصحاب علی بن الحسین (ع).



زهده، رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، دعای سحرماه رمضان امام سجاد (علیه السلام) که معروف به ابو حمزه ثمالی از جمله آثار این شایسته‌ترین شاگرد مکتب امام چهارم (علیه السلام) می‌باشد.

۲- **یحیی بن ام طویل مطعمی:** وی از شاگردان نزدیک امام چهارم (علیه السلام) بود و با شهامت و جرأت تمام، طرفداری خود را از اهل بیت (علیهم السلام) و دشمنی‌اش را با ستمگران عصر علنی کرده و بدون واهمه ابراز می‌داشت. او وارد مسجد پیامبر شده و با کمال شجاعت، در میان مردم حاضر، خطاب به زمامداران مستبد و خودخواه می‌گفت: ما مخالف شما و منکر راه و روش شما هستیم، میان ما و شما دشمنی آشکار و همیشگی است.<sup>۲۶</sup> گاهی در میدان بزرگ کوفه ایستاده و با صدای رسا می‌گفت: هر کس علی را سب کند، لعنت خدا بر او باد. ما از آل مروان بیزار هستیم.

۳- **محمد بن مسلم بن شهاب زُهری:** وی که در ابتدا از علمای اهل سنت بود، در اثر معاشرت با امام چهارم و بهره‌های شایان علمی که از آن حضرت می‌برد، به حضرت سجاد (علیه السلام) علاقه شدیدی پیدا کرد و از آن حضرت همیشه با لقب زین العابدین (علیه السلام) یاد می‌کرد. امام چهارم نیز از این ارتباط استفاده کرده و در مناسبت‌های مختلف او را از یاری رساندن به ستمگران بر حذر می‌داشت و در نامه مفصلی، عواقب ارتباط و تمایل به زمامداران ستم پیشه را به وی گوشزد نمود. او از افرادی است که بیشترین بهره را از امام چهارم برده است. روزی زهری به حضور حضرت رسید، امام وی را افسرده و اندوهگین دیده و علت را پرسید. زهری گفت: ای پسر پیامبر! اندوه من از سوی برخی مردم بویژه افرادی است که به آنان خدمت کرده‌ام ولی آنها بر خلاف انتظار من به من حسد ورزیده و چشم طمع به اموالم دوخته‌اند.

امام چهارم در ضمن ارائه رهنمودهای راهگشایی، به وی فرمود: «احفظ علیک لسانک تملک به اخوانک؛ اگر از زیانت مواظبت کنی همه دوستان و آشنایان در اختیار تو خواهند بود.» آنگاه حضرت افزود: زهری! کسی که عقلش کاملترین اعضاء وجودش نباشد، با کوچکترین اعضایش (زبان) هلاک می‌شود. «پیشوای چهارم ضمن اشاره به مهمترین رمز توفیق در زندگی فرمود: اگر دیدی که مسلمانان تو را احترام می‌کنند و بزرگ می‌شمارند، بگو آنها بزرگوارند که با من چنین رفتار می‌کنند و اگر از مردم نسبت به خود بی‌توجهی مشاهده کردی، بگو از من خطایی سر زده که مستوجب چنین بی‌احترامی شده‌ام.





هرگاه چنین اندیشیده باشی و طبق این اندیشه عمل کنی، خداوند متعال زندگی را بر تو آسان کرده، دوستانت زیاد و دشمنانت به حداقل خواهند رسید. در این صورت نیکیهای دیگران تو را خوشحال می کند و از بدی و اذیتهای آنان آزرده نخواهی شد.<sup>۲۷</sup>

ابان بن تغلب، بشر بن غالب اسدی، جابر بن عبدالله انصاری، حسن بن محمد بن حنفیه، زید بن علی بن الحسین (علیه السلام)، سعید بن جبیر، سلیم بن قیس هلالی، ابو الاسود دؤلی، فرزدق شاعر، منهال بن عمرو اسدی، حبابه و... از جمله معروفترین شاگردان و یاران امام سجاد (علیه السلام) محسوب می شوند که در تداوم نهضت کربلا و رساندن پیام امام به نسلهای آینده نقش مهمی داشته اند. همچنین حضرت زین العابدین (علیه السلام) با گرامی داشتن شعرای متعهد، از آنان به عنوان زبان گویای اهل بیت (علیهم السلام) بهره می برد. کمیت بن زیاد اسدی و فرزدق شاعر از جمله آنان می باشند.

### محبوبیت حضرت سجاد (علیه السلام) از منظر دیگران

این شیوه خداپسندانه امام چهارم (علیه السلام) موجب شد که دوست و دشمن، کوچک و بزرگ و مرد و زن از اعماق وجود خویش آن حضرت را دوست بدانند. آری محبوبیت اجتماعی آن حضرت، رهین کردارهای انسانی و کمالات الهی اش بود تا آنجایی که خلفای بنی امیه نیز به آن اعتراف می کردند. ابن شهر آشوب می گوید: امام سجاد (علیه السلام) در نزد عمر بن عبدالعزیز (هفتمین خلیفه اموی) حضور داشت؛ هنگامی که آن حضرت از نزد او بلند شده و بیرون رفت، عمر بن عبدالعزیز رو به اطرافیانش کرده و گفت: بهترین و شریف ترین مردم به نظر شما امروزه کیست؟ همه گفتند: شما ای خلیفه! او گفت: نه، هرگز! بهترین و شریف ترین مردم همین فردی است که الآن از حضور ما بیرون رفت! او چنان قلبها را به خود متمایل ساخته است که همه دوست دارند مثل او باشند اما او هیچگاه آرزو نمی کند که به جای یکی از ماها باشد.<sup>۲۸</sup>

### نفوذ صحیفه سجادیه در قلب اروپا

گفته آید در حدیث دیگران

خوشر آن باشد که سر دلبران

۲۷ - ۱۵ - بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۶.

۲۸ - مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۶۷.

پروفسور آنه ماری شیمیل آلمانی<sup>۲۹</sup> خاورشناس، اسلام‌پژوه و مستشرق مشهور آلمانی و استاد دانشگاه هاروارد امریکا بعد از آنکه با کمال انصاف در مقابل معارف اهل بیت (علیه السلام) متواضعانه سر تسلیم فرود آورده بویژه صحیفه سجادیه را شناخته و تصمیم گرفته آنرا برای مخاطبین خود شرح کند، در مصاحبه‌ای می‌گوید: من همواره دعاها را از اصل عربی می‌خوانم و به هیچ ترجمه‌ای مراجعه نمی‌کنم. البته بخش هایی از صحیفه سجادیه را به زبان آلمانی ترجمه کرده‌ام. وقتی مشغول برگردانیدن این دعاها به زبان مذکور بودم، مادرم به دلیل کسالت در بیمارستانی بستری بود و من مدام به او سر می‌زدم و کاملاً در جریان احوالش بودم. پس از اینکه او به خواب می‌رفت، در گوشه‌ای از اتاق مشغول پاکت‌نویس نمودن ترجمه‌ها می‌شدم. اضافه کنم که اتاق مادرم دو تختی بود و در تخت دیگر خانمی مسیحی که عقاید کاتولیکی محکم و راسخ و در عین حال متعصبانه داشت، بستری بود. او از روی ایمانی که به مذهب خویش داشت، وقتی متوجه شد من مشغول ترجمه دعاها می‌باشم از یک متن اسلامی هستم، آزرده خاطر گردید و با ناگواری و نگرانی گفت: مگر در مسیحیت و در کتب مقدس خودمان از نظر ادعیه کمبودی داریم که تو اکنون به دعاها می‌مانی؟ آورده‌ای؟! جوابی به وی ندادم اما وقتی کتابم چاپ شد، نسخه‌ای از آن را برایش فرستادم. مدتی بعد با من از طریق تلفن تماس گرفت و خاطر نشان ساخت: «بسیار صمیمانه از این هدیه جالب متشکرم، زیرا هر روز به جای دعاها انجیل آن را می‌خوانم!»

آری واقعا ترجمه معارف اهل بیت (علیهم السلام) مخصوصاً صحیفه سجادیه می‌تواند تا این حد در میان غربی‌ها تحول آفرین و کارساز باشد.<sup>۳۰</sup>

۲۹ - پروفسور آنه ماری شیمیل آلمانی در اکتبر سال ۱۹۴۱، رساله دکترای خودش بر روی موضوع « مصر در اواخر دوران قرون وسطی » را به انتها رسانید، و با آنکه هنوز ۱۹ سال بیشتر نداشت، موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه برلین شد. او، همچنین، دکترای دوم خود را در سال ۱۹۵۱ در حوزه تاریخ ادیان و با رساله‌ای پیرامون « عشق عرفانی در اسلام » دریافت نمود. پروفسور فقید، آنه ماری شیمیل، علاوه بر زبان‌های انگلیسی و آلمانی که کتاب‌ها و مقالات خود را بیشتر به این دو زبان نوشته است به زبان‌های فرانسه، فارسی، عربی، ترکی، اردو، سندی و بنگالی نیز احاطه داشت و آثار وی نشان می‌دهد که وی به کمال سهولت می‌توانسته متون قدیم و جدید را به این زبانها، خاصه فارسی و عربی، بخواند و در آثاری که به این زبان‌ها نوشته شده به تحقیق بپردازد و حتی از آن‌ها به انگلیسی و آلمانی ترجمه کند. از نکات جالب‌درباره این بانوی دانشمند آنکه او گاهی آثار خود را از آلمانی به انگلیسی و یا برعکس ترجمه می‌کرده است. آنه ماری شیمیل یکی از معدود مستشرقانی است که به معارف اسلام و اهل بیت ع با دیده انصاف نگریسته است. تالیف یکصد کتاب تحقیقی، چهارده مدال علمی و هفت دکترای افتخاری از جمله ی نتایج زحمات این بانوی دانشمند است.

۳۰ - آن ماری شیمیل بانوی شرق شناس جهان غرب، ماهنامه از دیگران، سال دوم، ش ۵، مرداد ۱۳۸۰، ص ۱۰ و ۱۱



(علیه السلام)

این بانوی دانشمند و ادیب و نابغه‌ی مشهور آلمانی وصیت کرد روی قبرش کلامی از امیرالمومنین (علیه السلام) بنویسند.

تصویر سنگ قبر آنه‌ماری شیمل که در آن حدیثی از علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) نقش بسته است: «النَّاسِ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا اتَّبَهُوا»؛ مردم خوابند؛ وقتی می‌میرند بیدار خواهند شد.

## اعتراف بزرگ مفسر اهل سنت

کلمات امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه نه تنها از نگاه معرفتی و عرفانی منبعی سرشار و متصل به عالم علوی است بلکه از نگاه بلاغت بیان و برتری گفتار حدی است که: سخنوران ساحر و فصیحان و ادیبان سحرانگیز در برابر آن سر تعظیم فرود آورده اند، تا حدی که به آن لقب انجیل اهل بیت و زبور آل محمد و اخْتِ الْقُرْآن داده اند.<sup>۳۱</sup>

نوزدهم ربیع الاول سال ۱۳۵۸ هجری قمری آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی (رضوان الله علیه) نامه ای را به همراه یک نسخه از صحیفه ی سجادیه امام سجاد (علیه السلام) به یکی از علماء اهل سنت مصر بنام علامه جوهری طنطاوی صاحب تفسیر معروف و مفتی اسکندریه می فرستد وی پس از دریافت این هدیه و نامه آیت الله مرعشی چنین می نویسد:

حضرت استاد علامه سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی، نَسَبَه خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، که خدا او را محفوظ دارد؛ سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! نامه گرامی مدتی پیش به ضمیمه کتاب صحیفه از کلمات امام زاهد اسلام: علی زین العابدین بن امام حسین شهید، ریحانه مصطفی رسید. کتاب را با دست تکریم گرفتم و آن را کتابی یگانه یافتم که مشتمل بر علوم و معارف و حکمت‌هایی است که در غیر آن یافت نمی‌شود. حَقًّا که از بدبختی است که ما تاکنون به این اثر گرانبهای جاوید از میراث‌های نبوت و اهل بیت دست نیافته‌ایم. من هر چه در آن مطالعه و دَقَّت می‌کنم می‌بینم که آن بالاتر از کلام مخلوق و دون کلام خالق است.<sup>۳۲</sup> راستی چه کتاب کریمی است! خدای شما را در برابر این هدیه بهترین پاداش بخشد و به نشر علم و هدایت موفّق و مؤیّد بدارد. و شما سزوار این کارید. دیگر آنکه آیا کسی از علمای اسلام این کتاب را

۳۱ - امام شناسی، حسینی تهرانی، ج ۱۵، ص: ۴۶۰

۳۲ - وَمِنَ الشَّقَاءِ أَنَا إِلَى الْآنِ لَمْ نَقِفْ عَلَى هَذَا الْأَثَرِ الْقِيمِ الْخَالِدِ مِنْ مَوَارِيثِ النَّبُوَّةِ وَ أَهْلِ الْبَيْتِ. وَ إِنِّي كَلَّمَا تَأَمَّلْتُهَا رَأَيْتُهَا فَوْقَ كَلَامِ الْمَخْلُوقِ وَ دُونَ كَلَامِ الْخَالِقِ



شرح کرده؟! و آیا چیزی از آن شروح نزد شما یافت می‌شود یا نه؟! در پایان دوام شما را از کرم خدای تعالی امید دارم.

آیه الله مرعشی در پاسخ به نامه ی علامه طنطاوی تعدادی از شروح صحیفه ی سجادیه را نام برده و به همراه آن کتاب «ریاض السالکین» و برخی کتب دیگر را برای وی ارسال می دارد که این بار نیز علامه طنطاوی از این نامه خوشحال شده، می نویسد:

حضرت علامه استاد حجّت بارع و نقیب اشراف و نسّابه خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سید شهاب الدّین حسینی مرعشی نجفی دامت اُیّامه. سلام و رحمت خدا بر شما باد! نامه شریف به ضمیمه کتاب «ریاض السّالکین» در شرح صحیفه امام زین العابدین علی بن الحسین السّبط، تألیف علامه سید علی بن معصوم مدّنی و صاحب کتاب «سلافة العصر» و کتابهای دیگر، که در باب خود از کتب بی نظیر بود رسید، و من آن را به دانشمند فاضل سید محمّد حسن اعظمی هندی منشی کلّ جماعت اخوت اسلامی تسلیم کردم و او آن را به عنوان هدیه شما به من و هدیه من به جمعیت، در کتابخانه جمعیت گذاشته، تا نفعش دائمتر و شاملتر و عمومی‌تر باشد. و جمعیت اخوت اسلامی خوشوقت خواهد شد که از کتبی که در کشور شما یافت می‌شود برایش بفرستید، زیرا این جمعیت از همه مذاهب اسلامی تشکیل شده و من به حول و قوه خدای تعالی آماده و مجهّز که انشاء الله شرحی بر این صحیفه گرامی بنویسم. در پایان تحیات و سلامم را بپذیرید! مخلص، طنطاوی جوهری.<sup>۳۳</sup>

### زیباترین شیوه معاشرت

در اینجا به برخی از رفتارهای پسندیده امام سجاد (علیه السلام) که در جذب قلوب و صید دل‌های مردم تأثیر فراوان داشته است، اشاره می‌کنیم:

### پناه بی پناهان

زمخسری نقل کرده است: هنگامی که یزید بن معاویه عامل جنایتکار خود مسرف بن عقبه را به مدینه فرستاد و لشکر وی به قتل و غارت اهل مدینه پرداختند. حضرت زین العابدین (علیه السلام) چهارصد نفر از

۳۳ - جریان این نامه نگاری در مقدمه ی کتاب «صحیفه سجّادیّه» با مقدّمه آیه الله مرعشی طبع سنه ۱۳۶۹، هجریّه قمریّه و ترجمه دانشمند شهیر آقای سید صدر

الدین بلاغی، از نشریات دار الکتب الاسلامیّه شیخ محمّد آخوندی، ص ۳۷ و ص ۳۸۰



بانوان بی پناه را پناه داد و آن حضرت در کمال سخاوت و جوانمردی از آنان پذیرایی نمود. هنگامی که لشکر مسلم بن عقبه از مدینه بیرون رفت، آن بانوان گفتند: به خدا قسم! در کنار پدر و مادرمان این چنین زندگانی خوش و آرامش روحی و روانی نداشته ایم که در سایه عطوفت و محبت این مرد شریف (حضرت سجاد علیه السلام) در این مدت بحرانی این چنین در آرامش و در کمال احترام به سر بردیم.<sup>۳۴</sup>

### خدمتگزار ناشناس

امام صادق (علیه السلام) فرمود: حضرت سجاد (علیه السلام) هرگاه مسافرت می رفت، سعی می کرد با کاروانی سفر کند که او را شناسند و شرط می کرد که در طول سفر یکی از خدمتگزاران به همسفرانش باشد. یک بار که با افرادی ناشناس به مسافرت رفته بود، مردی آن حضرت را دیده و شناخت، بعد به دیگر دوستانش گفت: آیا می دانید این آقا که به شما خدمت می کند، کیست؟ گفتند: نه، نمی شناسیم. آن مرد گفت: این شخص حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) است! اهل کاروان که این جمله را شنیده و امام را شناختند، یکدفعه از جای خود برخاسته و دست و پای حضرتش را بوسیدند و عرضه داشتند:

ای فرزند رسول خدا! آیا می خواهی ما را آتش جهنم فراگیرد؟! اگر خدای نکرده از دست و زبان ما خطائی سر می زد و به شما جسارتی می کردیم، آیا ما تا ابد هلاک نمی شدیم؟! چه انگیزه ای باعث شد که شما به صورت ناشناس به ما خدمت کنید؟

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «هنگامی که من با عده ای آشنا به مسافرت رفتم، آنان به خاطر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بیش از استحقاق من، برایم خدمت کرده، عطوفت و مهربانی نتارم کردند. به همین جهت، به صورت ناشناس آمدم که مبدا شما نیز بیش از حد بر من احترام کنید. و ناشناس بودن را بهتر می پسندم.»<sup>۳۵</sup>

بی تردید این سیره پسندیده حضرت سجاد (علیه السلام) برگرفته از کلام حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه وآله) می باشد که فرمود: « مَنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا مُسَافِرًا فَرَجَّحَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثًا وَ سَبْعِينَ كُرْبَةً ۚ ۳۶ هر کس به یک مؤمن مسافر یاری و خدمت نماید، خداوند متعال هفتاد و سه بلا و اندوه را از او زایل خواهد کرد.»

۳۴- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸.

۳۵- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳۰.

۳۶- همان، ص ۴۲۹.



## راز تسخیر دلها!

امام (علیه السلام) همواره این آیه ی شریفه را مد نظر داشت که: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»<sup>۳۷</sup> و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد.»

آن وجود گرامی با عمل به این آیه دل‌های مستعد کمال را تسخیر می کرد. علی بن عیسی اربلی می نویسد: روزی امام سجاد (علیه السلام) از مسجد بیرون آمد و با مردی که با آن حضرت عداوت دیرینه داشت، مواجه شد. مرد همین که چشمش به امام افتاد، به حضرت زین‌العابدین (علیه السلام) جسارت کرده و دشنام و ناسزا گفت. یاران و غلامان امام (علیه السلام) خواستند که آن شخص را تأدیب کنند. اما حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) فرمود: با او کاری نداشته باشید. آنگاه به او نزدیک شده و گفت: آنچه از صفات و کارهای ما بر تو پوشیده است، بیشتر از آن است که تو مطلع هستی! سپس با مهربانی و عطف تمام فرمود: اَلْكَ حَاجَةٌ نُعِينُكَ عَلَيْهَا؛ آیا مشکلی داری که ما در حل آن تو را یاری نماییم؟!

مرد با مشاهده این رفتار انسانی، از کرده خود شرمسار گردید. اما امام چهارم (علیه السلام) او را نوازش کرده و عبا ی ارزشمند خود را به همراه هزار درهم به وی بخشید. بعد از آن واقعه، آن مرد شدیداً به امام علاقه مند گردید و در هر کجا که می رسید، به بیان فضائل و مناقب آن حضرت می پرداخت و خطاب به حضرتش می گفت: به راستی که تو از فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) هستی.<sup>۳۸</sup> این رفتارهای آموزنده و انسانی موجب شده بود که مخالف و موافق، آن حضرت را از اعماق وجودشان دوست بدارند و به شخصیت والای امام سجاد (علیه السلام) به دیده احترام و عظمت بنگرند.

۳۷- فصلت / ۳۴

۳۸- کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۰۱.



## روش های دوست یابی

محمد بن مسلم بن شهاب زهري<sup>۳۹</sup> روزی با حالتی افسرده و اندوهگین به حضور امام سجاد (علیه السلام) آمد. وقتی امام علت ناراحتی وی را پرسید، گفت: اندوه من از سوی برخی مردم به ویژه افرادی است که به آنان خدمت کرده ام ولی آنها برخلاف انتظارم به من حسد ورزیده و چشم طمع در اموالم دوخته اند.

امام چهارم (علیه السلام) رهنمودهای راهگشایی به وی ارائه فرموده و سپس افزود: «إِحْفَظْ عَلَيْكَ لِسَانَكَ تَمَلِّكُ بِهِ إِخْوَانَكَ؛ اگر از زبانت مواظبت کنی، همه دوستان و آشنایانت در اختیار تو خواهند بود [و تو را دوست خواهند داشت].» سپس فرمود: «زهري! کسی که عقلش کامل ترین اعضاء وجودش نباشد، با کوچک ترین اعضایش (زبان) هلاک می شود.»

حضرت سجاد (علیه السلام) مهم ترین رمز توفیق در زندگی را، تواضع و احترام به دیگران دانسته و می فرماید: «اگر دیدی که مسلمانان تو را احترام می کنند و مقامت را بزرگ می شمارند، بگو آنها بزرگوارند که با من چنین رفتار می کنند و اگر از مردم نسبت به خود بی توجهی مشاهده کردی، بگو از من خطایی سرزده که مستوجب چنین بی احترامی شده ام. هرگاه چنین اندیشیده باشی و طبق این تفکر عمل کنی، خداوند متعال زندگی را بر تو آسان کرده، دوستانت زیاد و دشمنانت به حداقل خواهند رسید. در این صورت نیکی های دیگران تو را خوشحال می کند و از بدی و اذیت های آنان آزرده نخواهی شد.»<sup>۴۰</sup>

## محبوبترین رهبر آسمانی

داستان معروف امام سجاد (علیه السلام) هنگام زیارت بیت الله الحرام دلیل واضحی بر جایگاه والای معنوی و اجتماعی آن حضرت در عصر خود می باشد. خلاصه آن ماجرا چنین است:

در زمان خلافت عبدالملک بن مروان، سالی پسرش هشام بن عبدالملک<sup>۴۱</sup> به زیارت خانه خدا رفت؛ اما در اثر ازدحام جمعیت نتوانست «حجر الأسود» را زیارت کند و کوشش اطرافیانش نیز در این زمینه نتیجه ای

۳۹- وی در ابتدا از علمای اهل سنت بود اما در اثر معاشرت با امام چهارم (ع) و نیل به بهره های شایان علمی و انسانی از محضر امام سجاد (ع)، به آن حضرت علاقه شدیدی پیدا کرد و از امام همیشه با لقب «زین العابدین» یاد می نمود.

۴۰- الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۹.

۴۱- وی از سال ۱۰۵ تا ۱۲۵ ه. زمام حکومت را به دست گرفت. از آنجایی که امام چهارم (ع) در سال ۹۵ ه. توسط ولید بن عبدالملک به شهادت رسید، هشام بن عبدالملک جانشین خلیفه به شمار می آمده است.



نداشت. ناگزیر برای او در کنار کعبه تختی نصب کردند و وی در آنجا نشسته و به تماشای حجّاج و طواف کنندگان پرداخت. اطرافیان شامی او نیز در کنارش گرد آمده و به اجتماع پرشکوه حج نظاره می کردند. در همین حال، ناگهان حضرت سجاد<sup>(علیه السلام)</sup> پدیدار شد؛ آن حضرت که در میان جمعیت با سیمایی زیبا و وجودی نورانی همچون ستاره ای می درخشید، گرد خانه خدا طواف کرد و هنگامی که به حجرالاسود نزدیک شد، مردم با کمال احترام و تواضع راه را بر امام باز کردند و حضرت به راحتی حجرالاسود را زیارت نمود. این منظره که هشام و اطرافیانش را به حیرت واداشته بود، موجب شد تا یکی از شامیان از هشام بپرسد که: این شخص با عظمت کیست که مردم این چنین احترامش می کنند؟ امّا هشام به جهت اینکه شامیان آن حضرت را نشناسند، پاسخ داد: من هم نمی شناسم! «فَرَزْدَق» شاعر که در آنجا حاضر بود، بلند شده و با جرئت تمام گفت: امّا من او را می شناسم!

گفت: من می شناسمش نیکو  
زو چه پرسی، به سوی من کن رو

اگر هشام او را نمی شناسد، من آن جوان زیبا روی و نورانی چهره را خوب می شناسم. مرد شامی گفت: او کیست ای ابو فراس؟! فرزدق در پاسخ آن مرد شامی قصیده معروف خود را در چهل بیت سرود؛ از جمله اینکه:

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَ طَاتَهُ  
وَ الْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَ الْحِلُّ وَ الْحَرَمُ

این کسی است که سرزمین پاک مکه قدر و منزلت او را می شناسد و خانه کعبه، حلّ و حرم او را می شناسند.

هَذَا ابْنُ خَيْرٍ عِبَادِ اللَّهِ كُلَّهُمْ  
هَذَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ

این فرزند بهترین بندگان خداست. این جوان پاک و پاکیزه و پیراسته و شناخته شده است.

مَا قَالَ لَأَقُتُّ إِلَّا فِي تَشَهُدِهِ  
لَوْ لَأَتَشَهُدُ كَأَنَّ لَأَوْهَ نَعَمَ

هرگز کلمه (لا) بر زبان نیاورد مگر در تشهد نماز که اگر آنها نبود (لا) ی او همه اش (بلی) بود.

هَذَا ابْنُ فَاطِمَةَ إِنْ كُنْتَ جَاهِلَهُ  
بِحَدِّهِ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ قَدْ خْتَمُوا

این فرزند فاطمه است. اگر او را نمی شناسی، او کسی است که جدش خاتم الانبیاء می باشد.





... او از خاندانی است که محبت ایشان، دین و دشمنی با آنان، کفر و نزدیک شدن به آنان، پناهگاه و نجات بخش است. هرکسی خدای را بشناسد، نیاکان او را نیز نیک می شناسد که دین اسلام از خانه او به سایر مردم رسیده است... .

هشام بن عبدالملک بعد از شنیدن این قصیده، خشمگین شد و حقوق فرزدق را از بیت المال قطع نموده و او را در عَسْفان (بین مکه و مدینه) زندانی کرد. حتی در اعتراض به فرزدق گفت: تو تا به حال برای ما چنین مدحی نگفته ای! فرزدق گفت: تو نیز جدی مثل جدّ او و پدری مثل پدر او و مادری مثل مادر او بیاور تا من شبیه این ابیات را در مورد شما نیز بسرایم.

بعد از این ماجرا، امام سجاد<sup>(علیه السلام)</sup> دوازده هزار درهم برای فرزدق فرستاد و فرمود: ای ابوفراس ما را معذور دار؛ اگر بیش از این مقدورمان بود، برایت می فرستادیم.

اما او پذیرفت و گفت: ای پسر رسول خدا! آنچه من گفتم، به خاطر جایزه نبوده بلکه برای رضای خدا و رسولش بوده است. من پاداشی از شما نمی خواهم.

امام<sup>(علیه السلام)</sup> دوباره آن اموال را برای فرزدق فرستاد و فرمود: «خداوند مکان و منزلت و نیت تو را می داند، به حقّ من آن را قبول کن.» و فرزدق آن را پذیرفت.<sup>۴۲</sup>

۴۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۶۹. روضة الواعظین، ج ۱، ص: ۲۰۰



## برگی از دفتر آفتاب

۱- نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمُودَةِ وَالْمَحَبَّةِ لَهُ عِبَادَةٌ.<sup>۴۳</sup> نگاه مؤمن به چهره برادر مؤمن خود از روی دوستی و محبت به او، عبادت است.

۲- كَفَّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ وَ فِيهِ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ عَاجِلًا وَ آجَلًا؛<sup>۴۴</sup> خودداری از آزار دیگران، نشانه کمال خرد و مایه آسایش دو گیتی است.

۳- خَيْرُ مَفَاتِيحِ الْأُمُورِ الصَّدْقُ وَ خَيْرُ خَوَاتِيمِهَا الْوَفَاءُ؛<sup>۴۵</sup> بهترین شروع کارها صداقت و راستگویی و بهترین پایان آنها وفا است.

۴- كَفُّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ وَ فِيهِ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ عَاجِلًا وَ آجَلًا؛<sup>۴۶</sup> خودداری از آزار رساندن، نشانه کمال خرد و مایه آسایش دو گیتی است.

۵- اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْعَمَلِ<sup>۴۷</sup>؛ انتظار فرج از برترین اعمال است.

۶- اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْجُبْنِي عَنِ السَّرَفِ وَالْاَزْدِيَادِ.<sup>۴۸</sup> خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و مرا از اسراف و زیاده روی محافظت فرما.

۷- اَلْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلٰى ثَلَاثٍ: اِمَّا يُدَخِّرُ لَهُ، وَ اِمَّا يُعَجِّلُ لَهُ، وَ اِمَّا اَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يُرِيدُ اَنْ يُصِيبَهُ؛<sup>۴۹</sup> مؤمن از دعای خویش یکی از سه بهره را دارد: یا برایش ذخیره می شود، یا برایش مستجاب می گردد، یا بلایی که مقدر بوده به او برسد، از او دفع می شود.

۴۳- تحف العقول ص ۲۸۲

۴۴- تحف العقول ص ۲۸۳

۴۵- بحار الأنوار (ط-بیروت) ج ۷۵، ص ۱۶۱ - نزهة الناظر و تنبيه الخاطر ص ۹۳، ح ۲۱

۴۶- تحف العقول، ص ۲۸۳

۴۷- منتخب الاثر، ص ۲۴۴

۴۸- صحیفه سجادیه، «دعاء ۳۰».



۸- إِيَّاكَ وَالْإِبْتِهَاجَ بِالذَّنْبِ، فَإِنَّ الْإِبْتِهَاجَ بِهِ أَعْظَمُ مِنْ رُكُوبِهِ؛<sup>۵۰</sup> از خوشحال شدن به گناه بپرهیز، چرا که خوشحالی از انجام گناه، از ارتکاب گناه بدتر است.

۹- يَا بُنَيَّ! إِيَّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ؛<sup>۵۱</sup> ای فرزندم! از ستم به کسی که جز خداوند یاور و پشتیبانی علیه تو ندارد، برحذر باش.

۱۰- إِنَّ صَدَقَةَ السِّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ؛<sup>۵۲</sup> همانا صدقه پنهانی، آتش خشم پروردگار را فرو می نشاند.

۱۱- لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ تَقْوَى وَكَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَّقَبَلُ؛<sup>۵۳</sup> کاری که با اخلاص و پرهیزگاری توأم باشد، هر قدر به ظاهر کم باشد، کم نیست، چگونه ممکن است عملی که مقبول درگاه خداست، کم باشد؟!

۱۲- إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ وَاعْتَدَرَ إِلَيْكَ فَأَقْبَلْ عُذْرَهُ؛<sup>۵۴</sup> اگر کسی از سمت راست تو، به تو دشنام داد، سپس به سمت چپ تو رفت و از تو عذر خواهی کرد، عذر خواهی اش را بپذیر.

۱۳- حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ، التَّعْظِيمُ لَهُ وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ؛<sup>۵۵</sup> حق استاد تو این است که بزرگش داری و محضرش را محترم شماری و با دقت به سخنانش گوش بسپاری.

۱۴- وَ أَمَّا حَقُّ أُمِّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَأَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَحَدًا؛<sup>۵۶</sup> حق مادرت بر تو این است که بدانی او تو را در جایی حمل کرده است که هیچ کس دیگری را حمل نمی کند و از میوه دلش آن به تو داد که هیچ کس به دیگری نمی دهد.

۴۹- تحت العقول، ص ۲۸۰

۵۰- كشف الغمه، ج ۲، ص ۱۰۸

۵۱- کافی، ج ۲، ص ۳۳۱

۵۲- كشف الغمه، ج ۲، ص ۷۷

۵۳- تحف العقول، صفحه ۲۰۱.

۵۴- تحف العقول، ص ۲۸۲

۵۵- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۰.

۵۶- الأمالی، صدوق، ص ۴۵۳.

# فصل دوّم

دعای بیست و چهارم صحیفه سجادیّه





## منزلت والدین

خداوند متعال از همان روز نخست که انسان را آفرید و از حضرت آدم (علیه السلام) و حوا نسل بشر تداوم یافت به توسط تمام پیامبران الهی مقام و منزلت پدر و مادر را بیان کرده و حقوق عظیم آنان را به فرزندان اعلام نمود.

خداوند متعال در برخی از آیات به این حقیقت تصریح نموده و عالی ترین آموزش اخلاقی را که در حقیقت بارزترین منشور حقوق بشر می باشد به نمایش می گذارد و حقوق پدر و مادر را در کنار توحید که بالاترین هدف ادیان الهی است بیان کرده و می فرماید: « وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا »<sup>۵۷</sup> از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر نیکی و احسان نمائید.

و هم چنین یحیای پیامبر (علیه السلام) را به خاطر رعایت حقوق پدر و مادر ستوده و اعلام می دارد که: « وَبِرَّأِ بَوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا »؛ او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار و خوشرفتار بود و هرگز نافرمان و متمرّد نبود. و حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) با افتخار تمام می گوید: « وَبِرَّأِ بَوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا »<sup>۵۸</sup> خداوند مرا نسبت به مادرم نیکو کار قرار داده و جبار و شقی نگردانید. و در نهایت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز چون از نعمت پدر و مادر محروم بود آرزو می کرد که اگر پدر و مادرش زنده بودند به آنان خدمت کرده و رضایت آنان را جلب می کرد.<sup>۵۹</sup>

قرآن کریم در آیات متعدد دیگری نیز به حقوق مهم والدین اشاره کرده و فرزندان متعهد را به رعایت آنان دعوت می کند.

## حقوق متقابل

اگر پدران و مادران به وظایف خود آشنا باشند و حقوق فرزندان را همان طوری که در مکتب وحی آموخته اند به انجام برسانند، مطمئناً فرزندان صالح نیز متقابلاً به انجام حقوق والدینشان همت گماشته و به وظایف خود به نحو احسن عمل خواهند نمود.

۵۷- بقره / ۸۳

۵۸- مریم / ۳۲

۵۹- کنز العمال ، ج ۱۶ ، ص ۴۷۰.



اما اگر پدران و مادران به تربیت صحیح اولادشان نپردازند و در مورد آن بی توجه شوند، بدیهی است که نباید چندان انتظاری از بچه های تربیت نیافته خود داشته باشند.

اگر پدر و مادر رعایت حقوق فرزندان را نکنند و آنان را طبق فرهنگ اسلام و تعالیم عالی اهل بیت (علیهم السلام) پرورش ندهند ممکن است در آینده با مسائلی روبرو شوند که هیچ گاه تصور نمی کرده اند.

### از منظر اهل بیت (علیهم السلام)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: نیکی به پدر و مادر از معرفت عمیق شخص به پروردگارش سرچشمه می گیرد، زیرا هیچ عبادتی در رساندن یک فرزند به رضایت پروردگار متعال، سریع تر و نزدیک تر از نیکی به پدر و مادر مسلمان به خاطر خدا نیست، چون که حقوق والدین از حق خدا ناشی می شود به شرطی که پدر و مادر در راه دین خدا و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشند. چون چنین پدر و مادری هیچ گاه فرزندان را از راه خیر به سوی شر و از طاعت به سوی عصیان دعوت نمی کنند. پس در معاشرت با آنان مدارا و ملایمت کن! اذیت و ناراحتی های آنان را تحمل نما، هم چنان که آنان آزار و اذیت تو را در دوران کودکی به جان خریدند، و در خوراک و پوشاک همچنان خداوند متعال به تو وسعت داده تو هم آنان را در مضیقه قرار مده، چهره ات را از آنان بر مگردان، صدایت را از صدای آنان بالاتر مبر، که این در حقیقت تعظیم خداست و با آنان نیکو سخن بگو و نرم و لطیف باش، همانا که خداوند پاداش نیکو کاران را ضایع نمی کند.<sup>۶۰</sup>

امام چهارم (علیه السلام) در مورد حقوق سنگین والدین که بر عهده فرزندان نهاده شده نکات بس ظریف و ارزشمندی را در قالب دعا و مناجات بیان فرموده که حاوی دستورات مهم تربیتی نیز هست.

### \* فراز اول: درود بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آلش

« اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَاهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَخْصِصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَسَلَامِكَ وَأَخْصِصْ اللَّهُمَّ وَالِدَيْ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ وَالصَّلَاةِ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ؛ خدایا! بر حضرت محمد،

۶۰- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۹۷.



بنده و فرستاده ات و اهل بیت پاک او درود فرست و بهترین درودها و رحمت و برکات خود را به آنان اختصاص ده و پدر و مادر مرا به درود و کرامت نزد خود ویژه گردان . ای مهربان ترین مهربانان.»

این دعا ، در بردارنده ی حقوق پدر و مادر بر فرزندان و حاوی اشاراتی به حقوق فرزندان بر والدین است : امام سجاد<sup>(علیه السلام)</sup> با نهایت خضوع در برابر حضرت احدیت ، حقوق والدین بر فرزندان را بر شمرده و وظیفه ی فرزندان را در برابر یکایک آنها - در حدی که بتوان ادا کرد - تبیین نموده است .

### نقش صلوات در جلب رحمت الهی

بخش اول این فراز ، درود بر رسول الله<sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> و اهل بیت او<sup>(علیهم السلام)</sup> و اختصاص آنان به افضل تحیات و صلوات است . باید توجه کرد امام سجاد<sup>(علیه السلام)</sup> هر جا که بر پدران معصوم خود درود می فرستد ، چشم به استحقاق حقیقی و مقام والای انسانی آنان دارد ، نه آن که عاطفه ی فرزندی و تعلق نسبی به آن حضرات ، ایشان را بدین امر وا داشته است ؛ چونان افرادی که بر پایه ی تعصب تباری و قومی و بدون لحاظ شایستگی پیشینیان خود ، به تمجید و تعریف از ایشان لب می گشایند و سلام و درود نثارشان می کنند . طلب رحمت به جا و از روی استحقاق ، آثار فراوان دارد ؛ از جمله ایجاد رابطه ی روحی که به تدریج موجب سنخیت و هم گونی با آن راهنمایان پیشین می گردد و این گونه ارادت ورزی ها به ساحت مقدس امامان<sup>(علیهم السلام)</sup> چه بسا موجب جلب توجه آن بزرگواران شود.

### آیات و روایات درباره صلوات

« إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا ؛ <sup>۶۱</sup> خدا و ملائکه خدا درود می فرستند بر پیغمبر ، ای کسانی که ایمان آورده اید ! صلوات بفرستید بر پیغمبر و سلام گوید او را سلام نیکو.» در این آیه مقام پیامبر اسلام<sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> به عالی ترین وجه ترسیم شده است، چرا که هم خداوند متعال و هم تمام فرشتگان مقرب او بر پیامبر<sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> درود می فرستند و هم دستور داده شده است همه مؤمنان بدون استثناء بر او رحمت و درود و سلام بفرستند.

درست است که در این آیه، سخنی از آل پیامبر<sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> به میان نیامده است، ولی در روایات بسیاری می خوانیم که وقتی اصحاب و یاران از حضرتش سوال کردند: چگونه درود و صلوات و سلام بر شما بفرستیم،



پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) «اهل بیتش» (آل) را در کنار خود قرار داد و تمام رحمت و درودی که از خداوند برای او تقاضا می‌شد، برای «آلش» نیز تقاضا می‌کردند. این قرینه است بر این که صلوات و درود خداوند و ملائکه نیز تعمیم دارد، هم شامل پیامبر (صلی الله علیه و آله) و هم شامل «آل» او می‌شود، و این یک مساله ساده نیست، بلکه نشان می‌دهد که آنها مقاماتی دارند و به عنوان جانشینان پیغمبر مأموریتی دارند، در جهاتی شبیه مأموریت او، وگرنه این همه مقام تنها به خاطر خویشاوندی، غیر ممکن است.

## اهمیت صلوات

صلوات شعار رسمی مسلمانان است که هر صبح و شام بارها در بهترین عبادت خویش (نماز) آن را تکرار می‌کنند. صلوات پیوسته خداوند و فرشتگان بر پیامبر و امر تأکیدی به مؤمنان بر تداوم صلوات بر ایشان را تسلیم بودن در برابر فرمانهای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، جلوه دیگری از این اهمیت است. « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا »

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که ابوبصیر سؤال کرد: منظور از صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را فهمیده‌ایم، اما معنی تسلیم بر او چیست؟ امام فرمود: «منظور تسلیم بودن در برابر او در هر کار است.»<sup>۶۲</sup> از صلوات، در روایات به عنوان «برترین اعمال» یاد شده، چنانکه خوارزمی در «مناقب» خود از ابوعلقمه نقل کرده که روزی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نماز صبح را با ما گزارد و بعد از آن به ما رو کرد و فرمود: «ای یاران! من دیشب عموی خود حمزه بن عبدالمطلب و برادرم جعفر بن ابیطالب را در خواب دیدم. از ایشان پرسیدم: فدایتان شوم، کدام اعمال را برتر یافتید؟ گفتند: بهترین اعمال را در سه چیز یافتیم: صلوات بر شما، آب دادن تشنگان و دوستی علی بن ابیطالب.»<sup>۶۳</sup>

حضرت رضا (علیه السلام) فرمودند: « مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يُكْفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا التَّسْبِيحَ وَالتَّهْلِيلَ وَالتَّكْبِيرَ. »<sup>۶۴</sup> کسی که قدرت بر انجام کاری که کفاره گناهانش شود ندارد، زیاد بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، به

۶۲- تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۷، ص ۵۷۹

۶۳- منهج الصادقین، همان، ص ۳۶۱

۶۴- بحار الأنوار: ۴۷/۹۱، باب ۲۹، حدیث ۲؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱/۲۹۴، حدیث ۵۲





حقیقت که صلوات نابد کننده گناهان است، چه نابد کردنی. و نیز آن حضرت فرمود: صلوات بر محمد و آل محمد، در پیشگاه خدای عزوجل برابر تسبیح و تهلیل و تکبیر است.

باید توجه داشت که از مهمترین آثار صلوات، رشد ایمان است؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: « مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ ، وَمَنْ شَاءَ فَلْيُقِلِّ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْثِرْ »<sup>۶۵</sup>؛ هر کسی که بر من صلوات فرستد، خداوند متعال و ملائکه بر او درود و رحمت می فرستند (پس) هر که می خواهد کم، و هر که می خواهد بسیار صلوات بفرستد. این روایت را در کنار آیه ۴۳ سوره احزاب ببینید که فرمود: « هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا؛ او همان است که بر شما درود می فرستد (رحمت خاص خود را بر شما مبذول می دارد) و فرشتگانش نیز (برای شما آمرزش می طلبند) تا شما را از تاریکی ها (ی جهل و کفر و فسق) به سوی نور (علم و ایمان و تقوا) بیرون آرد، و او همواره به اهل ایمان مهربان است. » و این یعنی همان رشد ایمان. لذا کثرت صلوات در سرعت رشد ایمان زیر سایه اطاعت فرمان خداوند متعال به طور جدی موضوعیت دارد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: « لَا يَزَالُ الدَّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ؛<sup>۶۶</sup> دعا پیوسته در پرده است تا بر محمد و آل محمد درود فرستاده شود. » در واقع امام می خواهد برای پدر و مادر دعا کند، لذا با صلوات این دعا از حجاب استجابت خارج شده و به مقبولیت پروردگار متعال نزدیک می شود و این همان اهمیت موضوع است.

## حقوق والدین

بخش دوم این فراز درباره ی وظایف فرزندان در برابر والدین است. حساسیت و اهمیت این امر، به حدی است که امام (علیه السلام) از خداوند متعال مدد می گیرد که دانش رفتار و روش درست برخورد و نیکی به والدین را به وی الهام کند، تا حقوق ایشان را به نحو اکمل ادا نماید و آن گاه توفیق پیاده کردن آموخته ها و به کار بستن آنها را عنایت فرماید. از این رو، واژه «والدین» به صورت تصریح و اشاره، فراوان در قرآن

۶۵- کافی / جلد ۴ / ص ۲۴۹

۶۶- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۱، ح ۱



کریم به کار رفته و خداوند سبحان هر بار به گونه ای از بندگان خود خواسته است که احترام آنان را رعایت کنند .

در ادامه امام معصوم (علیه السلام) از خدا درخواست کرده است که هرگز در راه این وظیفه ی مهم ، سستی بر او عارض نشود ، که قهرا دانش را بی اثر می سازد ؛ به همین جهت می فرماید : «و لا تثقل أركانى عن الحفوف فيما ألهمتنىه ؛ یعنی هرگز ارکان و اعضای وجود مرا نسبت به آن چه به من آموخته ای ، سست و کاهل مخواه و میسند.»

### \* فراز دوم: در پرتو کرامت الهی

« وَ اخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدِيَّ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَ الصَّلَاةِ مِنْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ خداوندا، پدر و مادر مرا نیز به کرامت خود و رحمت خود مخصوص گردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.»

### کرامت پدر و مادر

امام سجاد (علیه السلام) به ما می آموزد که از خدا بخواهیم با پدر و مادر ما کریمانه و بزرگوارانه نزد خود برخورد کند و این نشان از شفقت و محبت فرزند نسبت به والدین خود دارد که خوبیهای نزد پروردگار را برای آنها می خواهد.

### کرامت در قرآن

واژه کرامت ، در قرآن ، فراوان به کار رفته است . در نخستین آیاتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده ، از خداوند با لفظ «اکرم» یاد شده است.<sup>۶۷</sup> در برخی موارد ، خداوند با صفت کریم ،<sup>۶۸</sup> کرام<sup>۶۹</sup> و یا اکرام توصیف شده است . همچنین ، پاداشی که به بندگان نیکوکار داده می شود ، همراه با صفت کریم آمده است . قرآن از پیامبران با صفت «کرام» ، به معنای بزرگووار و ارجمند ، یاد می کند . همچنین جبرئیل (علیه السلام)

۶۷- علق / آیه ۳ - ۵ (اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ)

۶۸- مؤمنون / آیه ۱۱۶ (فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ نَا إِلَهَهُ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ)

۶۹- الرحمن / آیه ۷۸ (تَبَرَّكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ)



فرشتگان دیگر ، قرآن و کتاب های آسمانی ، همه با این اوصاف آمده اند . قرآن ، تقوا را ملاک و معیار کرامت دانسته و منزلت انسان را در ارتباط با تقوا می داند . نیز در برخی آیات ، بهشت را جایگاه تکریم دانسته و نعمت های دنیا را کریم و نشانه تکریم انسان بر می شمارد . بنابراین ، کاربرد مفهوم کرامت در قرآن بسیار وسیع است ، به گونه ای که هم در مورد خدا و هم در مورد ملائکه ، انبیا و انسان های دیگر به کار می رود.

### \* فراز سوم: وظیفه شناسی

« اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَلْهِمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهُمَا عَلَىٰ إِيَّاهُمَا، وَ اجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلِّهِ تَمَامًا، ثُمَّ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا تُلْهِمْنِي مِنْهُ، وَ وَقِّفْنِي لِلتُّفُؤِذِ فِيمَا تُبْصِرُنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّىٰ لَا يَفُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عِلْمْتِيهِ، وَ لَا تَثْقَلَ أَرْكَانِي عَنِ الْحُفُوفِ فِيمَا أَلْهِمْتِيهِ؛ خداوندا! بر محمد و آلش درود فرست و دانستن آن چه درباره ایشان بر من لازم است به من الهام کن ، و آموختن همه واجبات را بی کم و کاست برایم فراهم نما، آن گاه مرا به آن چه در این زمینه الهام کرده ای به کار گیر، و توفیقم ده ! نسبت به آن چه به من بصیرت می دهی اقدام کنم ، تا به کار بستن چیزی از آن چه به من تعلیم داده ای از دستم نرود و ارکان بدنم از خدمتی که به من الهام فرموده ای احساس سنگینی نکنند.»

آشنائی باحقوق پدر و مادر امری لازم است که باید فرزندان بیاموزند و در این زمینه نهایت تلاش خود را به کار گیرند.

در این فراز امام سجاد<sup>(علیه السلام)</sup> به ما توجه می دهند که رفتار با پدر و مادر آموختنی است و نباید اعمال سلیقه شخصی کرد. از طرفی به جهت اهمیت موضوع در پیشگاه الهی، تمام آنچه که لازم است بدانیم، از خداوند تقاضا می کنیم؛ تا جایی که هیچ نکته ای در باب پدر و مادر فروگذار نشود.

حال ممکن است کسی به فضل خدا، نحوه برخورد با والدین را بداند اما به آنها عمل نکند. این کار خود داری مشکلات و اثری نخواهد بود؛ لذا از خداوند توفیق عمل به معلومات را نیز مسألت می کند و به ما می آموزد که: از عمل کار بر آید.



## حق مادر

امام سجاد (علیه السلام) در مورد حقوق بی پایان مادر می فرماید: حق مادرت آن است که بدانی ، او تو را چندین ماه در رحم خود نگهداری و حمل کرد و تو را از میوه دل و شیر جانش غذا داد. او تمام وجودش را برای حفظ و نگهداری تو به کار گرفت . باکی نداشت، که خودش گرسنه بماند و تو سیر باشی ، خود تشنه باشد، تو آب بیاشامی ، خودش برهنه باشد و تو لباس پوشیده باشی، خودش در مقابل آفتاب باشد و تو سایه نشین باشی. او از خواب شیرین خود به خاطر تو چشم پوشید و رنج بی خوابی را بر خود هموار ساخت . او تو را از گرمای تابستان و سرمای زمستان حفظ کرد. او همه این رنجها را تحمل کرد، که تو را داشته باشد و تو از آن او باشی. باید بدانی که تو قدرت و توانائی شکرگذاری مادرت را نداری ، مگر آنکه خداوند تو را یاری کند و بر اداء حق او توفیقت دهد.<sup>۷۰</sup>

## حقوق پدر

امام زین العابدین (علیه السلام) در مورد حق پدر هم فرمود: حق پدرت این است که بدانی او ریشه تو است و اگر او نبود تو هم نبودی و آن نعمت هایی که در خود می بینی و می پسندی بدان که پدرت سرچشمه این نعمت ها برای توست . پس خدا را ستایش کرده و در مقابل این نعمت شکر نما و بدان که هیچ نیرویی نیست مگر از طرف خدا.<sup>۷۱</sup>

## \* فراز چهارم: برکت در زندگی

« اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا أُوجِبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ؛ خدایا ! همان گونه که ما به وسیله ی رسول گرامی تو به شرافت ایمان نایل آمدیم ، تو نیز بر او و خاندانش

۷۰- و اما امک فان تعلم انها حملتک حيث لا یحتمل احد احدا و اعطتک من ثمرۃ قلبها ما لا یعطی احد احدا و وقتک بجمیع جوارحها و لم تبال ان تجوع و تطعمک و تعطش و تسقیک و تعری و تسکوک و تضحی و تظلک و تهجر النوم لا جلک و وقتک الحر و البرد لتکون لها فانک لا تطیق شکرها الا بعون الله و توفیقه (من لا یحضره الفقیه ، ج ۲، ص ۶۲۱)

۷۱- اما حق ایبک فان تعلم انه اصلک فانک لولاه لم تکن فمهما رایت من نفسک ما یعجیبک فاعلم ان اباک اصل النعمۃ علیک فیه فاحمد الله و اشکره علی قدر ذلک و لا قوه الا بالله . (من لا یحضره الفقیه ، ج ۲، ص ۶۲۱. امالی صدوق ، ص ۳۷۱.)



درود فرست و چنان که با هدایت او، حقوقی برای ما برعهده ی خلق نهادی، درود و تحیت خود را براو  
و خاندانش نثار فرما.»

دین اسلام ، انسان را موجودی مادی نمی داند و امور معنوی را در زندگی او دخیل می داند. یکی از امور  
معنوی ، برکت است که اگر عوامل آن رعایت شود ، آثار مثبت بی شماری دارد. برکت امری است مهم تر  
از ثروت ، ضمن این که ثروت ممکن است موقتی یا فقط مختص به مال باشد اما برکت پایدار است و تنها به  
مال تعلق نمی گیرد بلکه زوایای مختلف زندگی مانند عمر و زمان را در برمی گیرد.  
کلمه برکت و مشتقات آن ، سی و دو بار در قرآن کریم ذکر شده و در گفتگوی انسان ها به کار می رود  
که چیزی را دارای برکت و چیزی را فاقد آن می دانند.

## عوامل برکت زا

با مطالعه آیات قرآن و روایات معصومین <sup>(علیهم السلام)</sup> به عوامل برکت زا در زندگی انسان پی می بریم که امید  
است انسان ها به جای زحمت برای جمع آوری ثروت به این عوامل روی آورند و نه تنها مال و ثروت ، بلکه  
عمر ، قدم های خیر و قلم و فکر آنها با برکت و اثرگذار باشد، برخی از این عوامل عبارتند از:

۱- **جماعت:** پیامبر مکرم اسلام <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> در احادیثی برکت را در جماعت و در جمع بودن دانسته  
اند: «... فَإِنَّ الْبِرَّكَةَ فِي الْجَمَاعَةِ»<sup>۷۲</sup> اسلام باتشویق مسلمانان به شرکت در نمازهای جماعت و جمعه،  
مخالفت خود را با گوشه نشینی اعلام کرده و حتی در نماز فرادی نیز عبارت جمعی «ایاک نعبد» و  
«ایاک نستعین» را واجب نموده است.

۲- **دعا:** نحوه سخن گفتن با دیگران، از مواردی است که در دین اسلام مورد تأکید و توجه قرار گرفته  
است. حضرت رسول <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> فرمود: «به برادران مبارک باد بگویند و برایش برکت  
بخشند.» طلب برکت برای برادران دینی ، انرژی مثبت زیادی در وجود مؤمنین ایجاد می کند،  
زیرا وجود مؤمنان حقیقی آکنده از برکت است و دعای آنها در حق برادرانشان، برکت را به زندگی  
آنها هدیه می دهد.

۷۲- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۹



۳- **تکریم بزرگان:** حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می فرماید: « فَإِنَّ الْبِرَّكَهَ مَعَ أَكَابِرِنَا، فَمَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا،

وَيُجِلَّ كَبِيرَنَا، فَلَيْسَ مِنَّا. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «برکت در بزرگان ماست، کسی که بر کوچک ما رحم نمی آورد و بزرگ ما را گرامی نمی دارد، از ما نیست.»<sup>۷۳</sup> استفاده از تجربه بزرگان که سرد و گرم روزگار را چشیده اند، گوش دادن به پندهای دلسوزانه و به دست آوردن دل آنان، دریایی از برکت را به زندگی انسان وارد می کند.

۴- **پرداخت زکات:** امام باقر (علیه السلام) فرموده اند: « وَالزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ »<sup>۷۴</sup> اما اگر ما هر چیز را

دارای زکات بدانیم و زکات را نیز مایه برکت بخوانیم، آنگاه به معنای عامی بر خواهیم خورد که رعایت این معنا در عرصه های مختلف زندگی، حیاتی پر از برکت در تمام زمینه ها برای ما به ارمغان خواهد آورد.

به یک حدیث در این زمینه اشاره می کنیم: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: « بر هر جزئی از اجزای بدن تو دادن زکاتی در راه خدای بزرگ واجب است، بلکه بر هر تار مویی، پس زکات چشم، نگرستن برای عبرت گرفتن است، و چشم پوشیدن از نامحرم و شهوات، زکات گوش، شنیدن علم و حکمت و قرآن است، و حکمتهای مفید دینی و پند و اندرز نجاتبخش، به همراه دوری گزیدن از آنچه بر ضد اینهاست، یعنی دروغ و غیبت و نظایر آنها، زکات زبان، اندرز دادن به مسلمانان و بیدار کردن غافلان است، و ذکر و تسبیح بسیار گفتن، زکات دست، بخشندگی و سخاوت است از آنچه خدا به تو انعام کرده است، و بکار گرفتن آن در نوشتن علوم، و رهنمودهایی که مسلمانان در طاعت خدای متعال از آنها بهره مند شوند؛ و همچنین به کار نبردن آن در هر کار بد و هر اقدام شر، زکات پا، کوشش در انجام دادن حقوق خدای متعال است، یعنی رفتن به دیدن صالحان، و حضور در مجالس ذکر، و کوشش در اصلاح امور مردمان، و صلح رحم، و جهاد، و هر چه صلاح قلب و سلامت دین تو در آن باشد.»<sup>۷۵</sup>

۵- **پرداخت صدقه:** از سفارشات اکید اسلام درباره مال انسان ها، صدقه است که برای فرد و جامعه

برکات بسیار زیادی دارد.

۷۳- نهج الفصاحه، ص ۳۷۶

۷۴- بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۸۳

۷۵- همان، ج ۹۳، ص ۷



امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «جامعه ای که افراد آن اهل صدقه باشند، قطعاً برکات آن را در زندگی خود خواهند دید زیرا یکی از خصوصیات صدقات، این است که نمو می‌کند و این نمو، لازمه قهری صدقه است و از آن جدا شدنی نیست، چرا که باعث جلب محبت و حسن تفاهم است و امنیت را گسترش داده و دل‌ها را از اینکه به سوی غصب و دزدی و افساد و اختلاس بگردانید، باز می‌دارد و نیز باعث اتحاد و مساعدت و معاونت گشته و اکثر راه‌های فساد و فتنای اموال را می‌بندد و همه اینها باعث می‌شود که مال آدمی در دنیا هم زیاد شود و چند برابر گردد»<sup>۷۶</sup>

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «مَا مِنْ رَجُلٍ تَصَدَّقَ عَلَيَّ مِسْكِينٍ مُسْتَضْعَفٍ فَدَعَا لَهُ الْمِسْكِينُ بِشَيْءٍ تِلْكَ السَّاعَةَ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ؛ هیچ شخصی نیست که به مستمند ناتوانی صدقه بدهد و آن مسکین در همان وقت برای او دعا کند مگر اینکه دعایش (در حق او) مستجاب گردد.»<sup>۷۷</sup>

**۶- سحر خیزی:** عبارت «سحر خیز باش تا کامروا باشی» را زیاد شنیده‌اید. این عبارت اشاره دارد به حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که فرمودند: «برکت در سحر خیزی است»<sup>۷۸</sup> سرزندگی و پر انرژی بودن نیز از آثار سحرخیزی است.

**۷- صله رحم:** پیوند با خویشان و آگاه بودن از وضعیت زندگی آنان، از امور مورد توجه اسلام بوده و هست.

در گذشته، آگاهی یافتن از حال همسایگان و اقوام، با شب نشینی‌ها و بیان سخنان و تجربیات ریش سفیدان، نعمتی بود که امروزه کم رنگ شده است، اما باز هم صله رحم جایگاه خاص خود را دارد. حضرت علی (علیه السلام) یکی از عوامل برکت در زندگی را صله رحم دانسته‌اند، و خطاب به کمیل فرمودند: «يَا كَمِيلُ الْبُرْكَهُ فِي مَالٍ مَنْ... وَصَلَ الْأَقْرَبِينَ.»<sup>۷۹</sup>

۷۶- ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۶۴۲

۷۷- نواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۴۴

۷۸- محمد حسین صفاخواه، گلچین صدوق، ج ۲، ص ۱۹۰

۷۹- تحف العقول، ص ۱۷۴



امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ وَ تَدْفَعُ الْبُلُوَى وَ تُبَسِّرُ الْحِسَابَ وَ تُنْسِي فِي الْأَجَلِ؛ صله ارحام اعمال را پاک کند و اموال را فزونی دهد و بلا را بگرداند و حساب را آسان کند و اجل را تأخیر اندازد.»<sup>۸۰</sup>

نیکو کردن اخلاق، تقویت روحیه سخاوت، پاکیزه شدن نفس، تأخیر اجل، پاک‌سازی اموال، دور شدن بلا، آسان شدن حساب و موارد بسیار دیگر از برکات صله رحم می‌باشند که از مجموعه روایات اهل بیت (علیهم السلام) استفاده می‌شود. برکات این امر تا آن اندازه است که اگر کسی از غیر نیکوکاران باشد و به این امر مبادرت داشته باشند، نیز از برکات آن محروم نخواهد شد.

### مهرورزی به والدین و آثار آن در جامعه

آن چه در این قسمت آمده است تأکید بر نظام عاطفی خانواده و مشخصاً مهرورزی فرزند به والدین است که استحکام نهاد خانواده و همبستگی اعضای آن را بیشتر می‌کند. اصولاً عاطفه و احساس قوی در یک محیط صمیمی و جذاب و سالم چنان در اشباع غرایز عاطفی مؤثر است که مانع هوس‌های غلط و بیمارگونه خواهد شد و از پیدایش عقده‌های پیچیده روانی ممانعت خواهد کرد و بدین ترتیب در سالم‌سازی نظام اجتماعی سهم عظیمی بر عهده خواهد داشت. پر واضح است که این استحکام محیط خانوادگی و همبستگی نظام اجتماعی و انس مردم با یکدیگر – که در اثر روابط موجود بین این کانون‌های صمیمی حاصل می‌شود – برکات فراوانی به دنبال دارد، تا آن جا که می‌تواند جامعه را به یک خانواده‌ی بزرگ تبدیل گرداند. متأسفانه امروزه این احساس مقدس در بسیاری از جوامع کم‌رنگ شده است. خدا نکند همبستگی و عاطفه‌ی خانوادگی تا آن جا رنگ ببازد که شاهد گسست رابطه‌ی بین فرزندان و والدین و به تدریج گسیختگی و فروپاشی ارکان نهاد مقدس خانواده باشیم.

بنابراین، پدران و مادران باید در ایجاد یک محیط صمیمی کوشا باشند. در غیر این صورت، پیش‌بینی واگرایی فرزندان از ایشان امر دشواری نخواهد بود و تنها عاملی که می‌تواند جایگاه فرزندان را در چارچوب روابط خانوادگی تحکیم بخشد، تربیت دینی و اخلاق الهی است که باید با اهتمام والدین از ابتدایی‌ترین مراتب و با روش صحیح آغاز شود و گام به گام پیش رود.

۸۰- همان، ص ۱۵۰





حقیقت این است که اگر فرزند ، عاطفه را در حق مادر و پدر از دست دهد ، هیچ گاه نخواهد توانست در حق جامعه و کشورش مهرورز و صمیمی باشد و رابطه ی عاطفی با آن برقرار سازد . چنین فردی اگر در منطقه ی جنگی حاضر شود ، برای هر ساعتی حقوق و مقرری خاصی مطالبه می کند و در واقع جبر دولتی و سپس طمع مادی او را به فضای دفاع از کشور سوق می دهد . از جان گذشتگی در میان این افراد نادر است و صرفاً از انتقام گیری ناشی از خشم مقطعی ناشی می شود ، نه یک احساس عمیق عاطفی درباره ی هموطنان و میهن خود . اسلام اگر دفاع از حریم دین و شریعت و میهن را وظیفه ی هر مسلمان قلمداد کرده است ، مبنای مستحکم آن را در تحکیم عاطفه های خانوادگی و دینی پی ریزی کرده است .

بنابراین ، خاستگاه دفاع از شرافت دینی و ایمانی ، همان باورداشت مبدأ و معاد است . این تربیت ایمانی و عاطفه ی قوی کار را بدان جا می رساند که فرد از بین هزاران تعلق خاطر خانوادگی و قومی و ملی ، تنها یکی را برمیگزیند و او خدا است و غیرخدا را فراموش می کند و در برابر خدا همه چیز برایش رنگ می بازد .

آن چه آورده ایم ، مربوط به آثار اجتماعی این حکم مؤکد بود که امام <sup>(علیه السلام)</sup> درباره ی حقوق والدین بر فرزندان بیان فرمود . از سوی دیگر ، در جهت تربیت شخصی افراد عدم رعایت این مهم ، عقوق والدین و نارضایتی آنان را به دنبال خواهد داشت که سزای اخروی آن بی تردید آتش جهنم است ، چرا که بی احترامی به پدر و مادر از بدترین نوع گناهان کبیره است .

واقعیت این است که انسان تا پدر و مادر نشود ، نمی تواند تصور کند که پدر و مادر چه موجوداتی هستند و چه عواطفی دارند و چه زحماتی را متحمل می گردند .

### \* فراز پنجم: احساس شکوه والدین

« اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ، وَ أَبْرُهُمَا بَرَّ الْأُمِّ الرَّءُوفِ، وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيْ وَ بَرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رُقْدَةِ الْوَسْطَانِ، وَ أَثْلَجَ لِصَدْرِي مِنْ شَرِبَةِ الظَّمَانِ حَتَّى أُوثِرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَ أَقْدَمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا وَ أَسْتَكْثِرَ بِرَّهُمَا بِي وَ إِنْ قُلْتُ، وَ أَسْتَقِلَّ بِرِّي بِهِمَا وَ إِنْ كَثُرْتُ خَدَاوَنَدًا! چنان کن که از هیبت پدر و مادرم بسان هیبت سلطان خودکامه بیمناک باشم ، و به هر دو چون مادری مهربان نیکی نمایم ، و اطاعت از آنان و خوش رفتاری با آنان را در نظرم از لذت خواب در چشم خواب آلودم شیرین تر و برای سینه ام از شربت گوارا در ذائقه تشنه ام گوارا تر گردان ، تا خواسته ایشان را بر خواسته خودم ترجیح دهم ، و خرسندی آنان



را بر خرسندی خود مقدم دارم ، و خوبی ایشان را درباره خود هر چند اندک باشد زیاد بینم ، و نیکویی خود را درباره آنان هر چند بسیار باشد کم شمارم .»

پدر و مادر باید دارای هیبت و شکوه در ذهن فرزندان خویش باشند و این با برخورد اسلامی حاصل خواهد شد. از طرفی همانگونه که انسان در مواجهه با سلطان ستمگر جرأت نافرمانی او را ندارد، امام سجاد<sup>(علیه السلام)</sup> توجه می دهند این گونه باید مطیع فرمان پدر و مادر بود، به گونه ای که توانایی خلاف خواست آنها را به خود اجازه ندهیم؛ خواست و خشنودی آنها را بر آنچه خود می پسندیم ترجیح دهیم و در این مسیر رضای خدا را مورد نظر داشته باشیم و البته باید توجه داشت، اطاعت فرمان آنها تا زمانی است که خلاف دستورات خدای سبحان نباشد، چون حق خدا اعظم حقوق است.

از طرفی امام سجاد<sup>(علیه السلام)</sup> به ما می آموزد که: نیکی آنها را نسبت به خود زیاد ببینیم، اگر چه کم باشد و برعکس نیکی خویش به آنها را زیاد ببینیم اگر چه کم باشد. مجموع این مطالب در این جمله نورانی بیان شده است: «فرزندان همیشه خود را نسبت به پدر و مادر مدیون دیده و خود را هیچگاه طلبکار نبینند.» و این خیلی نکته مهمی است که ما همیشه ولو هر کاری انجام دهیم، نسبت به والدین بدهکاریم و این یعنی همیشه خادم آنها باشیم و نه آقایان... .

## رمز موفقیت انسانهای موفق

نیکی به والدین و سپاس از خدمات بسیار آنان، می تواند بسیاری از گره های مشکل زندگی را حل کرده و زمینه موفقیت را در طول زندگی فراهم آورد.

در اینجا دونمونه از انسانهای موفق تاریخ در این زمینه را یاد آور می شویم:

### ۱- آیت الله مرعشی نجفی<sup>(رحمه الله)</sup>

آیت الله مرعشی نجفی بزرگ فرهنگبان میراث اهل بیت<sup>(علیهم السلام)</sup> در بیش تر علوم اسلامی صاحب نظر بود و تألیفات ارزشمند ایشان - که نزدیک به صد و پنجاه اثر در موضوعات مختلف است - گواه روشنی بر این حقیقت است. کرامات معنوی، دریافت بیش از چهارصد اجازه اجتهادی و روایت از علمای بزرگ اسلامی، تدریس متجاوز از شصت و هفت سال در حوزه علمیه قم و نجف، تربیت هزاران طلبه و مشتاق دانش،



تأسیس ده‌ها مدرسه علمی، مسجد، حسینیه، مراکز فرهنگی، رفاهی و درمانی و ایجاد بزرگ‌ترین و مشهورترین کتابخانه در جهان اسلام، از جمله توفیقات این فقیه فرزانه می‌باشد.

او یکی از مهم‌ترین عوامل توفیقات خود را از برکت محبت و سپاس از پدر و دعای والدین می‌داند و در خاطرات خود می‌گوید: زمانی که در نجف بودیم، یک روز مادرم فرمود: «پدرت را صدا بزن، تا برای صرف نهار تشریف بیاورد.» حقیقاً به طبقه بالا رفتم و دیدم پدرم در حال مطالعه خوابش برده است؛ مانده بودم چه کنم. از طرفی می‌خواستم امر مادرم را اطاعت کنم و از سویی دیگر می‌ترسیدم با بیدار کردن پدر، باعث رنجش خاطر او گردم. خم شدم و لبه‌هایم را کف پای پدر گذاشتم و چندین بوسه برداشتم، تا این که در اثر قلقلک پا، پدرم از خواب بیدار شد و وقتی این علاقه و ادب و کمال احترام را از من دید فرمود: «شهاب الدین! تو هستی؟» عرض کردم: «بله، آقا.» دو دستش را به سوی آسمان بالا برد و فرمود: «پسر! خداوند عزتت را بالا ببرد و تو را از خادمین اهل بیت (علیهم السلام) قرار دهد.» حضرت آیت الله مرعشی نجفی (رحمه الله) می‌فرمود: «من هر چه دارم، از برکت آن دعای پدرم می‌باشد.»<sup>۸۱</sup>

## ۲- پاستور؛ شیمیدان فرانسوی

در کشورهای غربی، بر اثر حاکمیت تکنولوژی و صنعت، روابط عاطفی ضعیف و کم‌رنگ است و روابط عاطفی اعضای خانواده‌ها، متزلزل و گاهی اصلاً وجود ندارد؛ اما از آن جایی که عاطفه و محبت، امری فطری است، در نهاد برخی افراد غربی به ویژه، فطرت‌های سالم، عقلا و نخبگان اندیشمند، این حس درونی و ندای وجدان، خاموش نشده و گاهی جرقه‌هایی از آن مشاهده می‌شود. بلی از نظر اقتصادی و نظامی، کشورهای غربی، پیشرفته و متمدن جلوه می‌کنند، ولی به شدت در خلأ فرهنگی و فقر عاطفی در رنج و عذاب‌اند.

لویی پاستور، شیمیدان معروف فرانسوی و صاحب کشف‌های مهم علمی، هنگامی که بر اثر نظریه‌های بدیع خود به اوج افتخار جهانی نائل شد، دولت فرانسه در صدد بر آمد تا خانه‌ای را که محل تولد او بود به موزه تبدیل کند. پاستور در آن مراسم، ضمن یک سخنرانی که در خانه محقرشان ایراد کرد، از مادر فداکارش، کمال سپاس و حق‌شناسی را به جای آورد. او با صدایی که از فرط تأثر می‌لرزید، چنین گفت: «ای مادر عزیز! ای گمشده دل‌بند که سالیانی دراز در این خانه با من به سر بردی! تویی که اکنون همه چیز را مدیون تو می‌بینم. مادر شجاع و دلدارم! تمام حس فداکاری و شور و هیجانی که در راه عظمت علم و بزرگی میهنم

۸۱- همان، ص ۲۳۴.



به کار بسته‌ام و از این پس نیز به کار خواهم بست، تو به من آموخته‌ای و در وجودم رسوخ داده‌ای. کار مشقت‌باری که تو در خانه و در کارگاه کوچکمان پیش گرفته بودی، به من در تحقیقات علمی آینده ام، درس صبر و حوصله داد. آنگاه که با وجود فقر و مسکنت، مرا به مکتب فرستادی، عشق به میهن و خدمت به بشر را در شب و روز به من آموختی. اکنون از تو اجازه می‌خواهم، تمام سرافرازی که میهنم در جشن امروز به من اعطاء می‌کند را به پیشگاه عظمتت تقدیم کنم. همین‌قدر بدان که فرزندت امروز که در میان امواج افتخار و سربلندی غوطه‌ور است، باز هم خود را بدون تو، ای مادر عزیز! در این جهان بزرگ تنها و بی‌پناه می‌بیند.»<sup>۸۲</sup>

### \* فراز ششم: خطاب نرم و دلپذیر

«اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي، وَ أَطِيبْ لَهُمَا كَلَامِي، وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي، وَ اعْظِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَ صَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَ عَلَيْهِمَا شَفِيقًا؛ خداوندا! صدایم را در محضر آنان ملایم کن، و گفتارم را بر آنان خوشایند فرما، و خلق خویم را نسبت به آنان نرم کن، و قلبم را بر آن‌ها مهربان ساز، و مرانسبت به هر دو خوش رفتار و دلسوز قرار ده.» از نکات مهمی که جوانان باید در مورد پدر و مادرشان رعایت کنند، لحن خطاب و استفاده از کلمات دلپذیر و دوست‌داشتنی است. رعایت این نکته، می‌تواند تأثیر به‌سزایی در استحکام روابط والدین و فرزندان داشته باشد. فرزندان با این شیوه، نه تنها در دل والدین جا باز می‌کنند و محبت افزون‌تری به دست می‌آورند، بلکه خشنودی خداوند متعال را نیز کسب خواهند کرد.

از امام صادق (علیه السلام) در مورد آیه ۲۴ سوره مبارکه اسراء که فرمود: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ؛ و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر» سؤال شد. ایشان این‌گونه بیان فرمودند: لَا تَمَلَأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَرِقَّةٍ، وَلَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا، وَلَا يَدِيكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا وَلَا تَتَقَدَّمْ قَدَامَهُمَا؛ چشم‌هایت را جز از روی دلسوزی و مهربانی با پدر و مادر خیره مکن و صدایت را بلندتر از صدای آنها نکن دست‌هایت را بالای دست‌های آنها مبر، و جلوتر از آنان راه مرو.<sup>۸۳</sup>

۸۲- مادر، جلال‌الدین افشارزاده، تهران، نشر بوعلی، ۱۳۴۷ ش، ص ۲۳۹.



این که از امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند: وَ صَيَّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، رفیق یعنی مدارا؛ ممکن است پدر و مادر اخلاقی داشته باشند که ما نپسندیم و یا حرفی بزنند که مورد میل ما نباشد، به هر ترتیب بنده خوب خدا بر اساس تعالیم الهی باید با آن بزرگواران مدارا کند و نه این که به گونه ای برخورد کند که خدای ناکرده باعث رنجش آنها شود، بلکه نسبت به آنها شفیق و دلسوز باشد که اگر ان طور بود، رفیق نیز خواهد بود، لذا فرمود: « وَ عَلَيْنِهَا شَفِيقًا ».

## مرا بابا صدا کن!

روایتی جذاب و قابل توجه از ارتباط پیامبر (صلی الله علیه وآله) با دختر گرامی اش حضرت فاطمه (علیها السلام)، گویاترین سند این ادعا است. امام صادق (علیه السلام) به نقل از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) می فرماید: هنگامی که آیه «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»<sup>۸۴</sup> نازل شد، من بیم داشتم که در خطاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بگویم: «ای پدر!»؛ بلکه می گفتم: «یا رسول الله.» دو سه بار آن حضرت چیزی به من نگفت، اما یکبار به من رو کرد و فرمود: « يَا فَاطِمَةُ إِنَّهَا لَمْ تَنْزِلْ فِيكِ وَلَا فِي أَهْلِكَ وَلَا فِي نَسْلِكَ أَنْتِ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ وَالْعِلْظَةِ مِنْ قُرَيْشٍ أَصْحَابِ الْبَدْحِ وَالْكَبْرِ قَوْلِي يَا أَبَتِ فَإِنَّهَا أَحْيَا لِلْقَلْبِ وَ أَرْضَى لِلرَّبِّ »<sup>۸۵</sup> ای فاطمه! آن آیه در مورد تو نازل نشده و در مورد خانواده و نسل تو نیز نازل نشده است. تو از منی و من از توأم؛ آن آیه برای جفاکاران و درشتخویان قریش که اهل گردنکشی و تکبرند نازل شده است. تو همچنان بگو «ای پدر» که این گونه صدا کردن، دل را زنده تر می دارد و خداوند را خشنودتر می سازد.

## \* فراز هفتم: سپاس و قدردانی

« اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي، وَ أَثْنِيَهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي، وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صَغَرِي؛ خداوند! به آن ها به پاس تربیت من ، جزای نیکو عنایت فرما و در مقابل آن که مرا گرامی داشتند پاداش نیکو عطا فرما، و هر رنجی را که در کودکی نسبت به من تحمل کرده اند، در حق ایشان محفوظ بدار.»

۸۴- نور / ۶۳. «رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را در هنگام خطاب، مانند خودتان صدا نزنید و نام نبرید (او را یا رسول الله خطاب کنید).»

۸۵- المناقب، ابن شهر آشوب مازندرانی، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹ ق، ج ۳، ص ۳۲۰.



تشکر از ولی نعمت امری فطری است و عقلای عالم روی آن تأکید دارند. اساساً انسان از کسی که قدر دان نعمت‌های داده شده نباشد خوشش نمی‌آید و او را فردی جاهل، بی‌ادب، بی‌فرهنگ، و دور از انسانیت قلمداد می‌کند و در مقابل شکرگزاری و قدرشناسی در میان عموم مردم امری پسندیده و مطلوب تلقی می‌شود. امام سجاد (علیه السلام) بر اساس همین فطرت از خداوند متعال برای قدردانی از والدین استمداد می‌طلبد و اساساً به غیر از این راهی برای جبران زحمات والدین وجود ندارد.

### سعدی و مادر پیر

سعدی در گلستان می‌نویسد: وقتی به جهل جوانی بانگ بر مادر زدم، دل آزرده به کنجی نشست و گریان همی‌گفت: مگر خردی فراموش کردی که درشتی می‌کنی؟!

چه خوش گفت: زالی به فرزند خویش	چو دیدش پلنگ افکن و پیلتن
گر از عهد خردیت یاد آمدی	که بیچاره بودی در آغوش من
نکردی در این روز بر من جفا	که تو شیر مردی و من پیرزن

### سپاس شیخ انصاری از مادر

شیخ مرتضی انصاری (رحمه الله) بزرگ‌پرچمدار جهان تشیع و سرآمد فقها و مجتهدین امامیه است. او بعد از آنکه مدتی در شهر کربلا در حضور استادش، مرحوم شریف العلما و سایر اساتید حوزه علمیه نجف تحصیل کرد، به زادگاهش، شوشتر مراجعت نمود. شیخ، مدتی تحصیلات خود را در همانجا ادامه داد، مجدداً تصمیم گرفت تا برای تکمیل مراتب علمی به عتبات عالیات برگردد. اما مادرش به رجوع دوباره وی راضی نبود. اصرار شیخ و دیگر افراد برای جلب رضایت مادر بی‌نتیجه بود؛ تا اینکه شیخ به مادرش عرضه داشت: «آیا اجازه می‌دهی تا استخاره کنم و جواب هر چه بود در مقابل آن هر دو تسلیم باشیم؟» مادرش پذیرفت. در جواب استخاره شیخ این آیه آمد: «وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛<sup>۸۶</sup> هرگز مترس، محزون مباش که ما او را به تو باز می‌گردانیم و از رسالت‌مداران خود قرار می‌دهیم.» وقتی این آیه را به مادرش توضیح داد، او خیلی خوشحال شد و به شیخ مرتضی اجازه مسافرت داد. شیخ انصاری در این



مسافرت سرنوشت‌ساز خود، به برکت دعای مادر، توفیق الهی و تلاش و استقامت خویش به بالاترین درجه اجتهاد و مرجعیت نائل شد و پرچم اسلام بر دوش وی قرار گرفت و بزرگ‌ترین رهبر مذهبی، در عصر خود گردید. هنگامی که به مادر شیخ انصاری گفته شد: آیا از این همه ترقی و عظمت فرزندش برخوردار نمی‌بالد و افتخار نمی‌کند؟! در جواب گفت: «رسیدن فرزندم به شکوه و عظمت، برای من شگفت‌انگیز نیست، بلکه اگر چنین نمی‌شد من متعجب می‌شدم؛ چرا که هر وقت که به او می‌خواستم شیر بدهم، وضو می‌گرفتم و با طهارت و پاکیزگی، به او شیر می‌دادم.» بلی، شیر پاک، فکر پاک و شیر ناپاک اندیشه ناپاک تولید می‌کند. در حوزه علمیه نجف، رسم شیخ بر این بود که در بازگشت از مجلس تدریس، ابتداء نزد مادر می‌رفت و برای دلجویی از آن پیرزن، با وی به گفتگو می‌پرداخت و از اوضاع زندگی مردم پیشین می‌پرسید و مزاح می‌کرد و از او پوزش می‌طلبید. سپس به اتاق مطالعه و عبادت می‌رفت.

زمانی که مادر شیخ انصاری از دنیا رفت، او در فراق مادر به شدت می‌گریست و در کنار پیکر بی‌جان مادرش زانوی غم زده و اشک ماتم می‌ریخت. یکی از شاگردان نزدیکش به او تسلیت گفت و به عنوان دلجویی اظهار داشت: «جناب استاد! برای شما با این مقام علمی، شایسته نیست که برای درگذشت پیرزنی که عمرش سرآمده بود، این‌طور اشک بریزید و بی‌تابی کنید.» آن بزرگ‌مرد تاریخ، سر برداشته و گفت: «گویا شما هنوز به مقام ارجمند مادر واقف نیستید. تربیت صحیح و زحمات فراوان این مادر، مرا به این مقام رسانید و پرورش اولیه او، زمینه ترقی و پیشرفت را در من ایجاد کرد. درحقیقت این همه توفیقات من، مرهون زحمات و تلاشهای مشفقانه و مخلصانه این مادر است.»<sup>۸۷</sup>

شاعر خوش‌ذوقی، سپاسگزاری از مادر را در قطعه شعری این‌گونه به تصویر کشیده است:

مادرم روح مهت روح و روان است مرا	مهر تو قوت تن ، قوت جان است مرا
در دل اندیشه تو گنج نهان است مرا	یک نگاه تو به از هر دو جهان است مرا
فارغم با تو ز هر خوب و بد ای پاک سرشت	زیر پای تو نهاد است خدا باغ بهشت
همه آثار وجودم ز وجود تو بود	به خدا بود من از پرتو بود تو بود

۸۷- حقوق متقابل والدین و فرزندان، عبدالکریم پاک‌نیا، نشر کمال الملک، ص ۱۵۱.



## \* فراز هشتم: آموزش والدین

«اللَّهُمَّ وَمَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدَى، أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهِ، أَوْ ضَاعَ قَبْلِي لَهُمَا مِنْ حَقٍّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِدُنُوبِهِمَا، وَغُلُوباً فِي دَرَجَاتِهِمَا، وَزِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ؛ خدایاندا! اگر از جانب من آزاری به آنان رسیده، یا از من ناخوشایندی دیده اند، یا حقی از آنان به وسیله من از بین رفته همه را موجب پاک شدن آنان از گناهانشان و مایه بلندی مقامشان و افزونی حسناتشان قرار ده، ای که بدی ها را با چندین برابر به خوبی تبدیل می کنی.»

این فراز از بیانات نورانی امام زین العابدین (علیه السلام) این نکته را در مورد پدر و مادر در بر دارد که: در برابر آزار و و رنجهایی که نسبت به فرزندانمان به شما می رسد، خدای شکور برای شما جبران خواهد کرد؛ آن هم به گونه ای که احدی نتواند و ان بخشش گناهان شماست و باعث بالا رفتن درجه و جایگاه شما در نزد من خواهد بود و نیز موجب ازدیاد نیکی ها یتان خواهد شد؛ چراکه من خدایی هستم که بدیها را به چند برابر حسنات پاداش می دهم، پس دل خوش دارید و نسبت به آینده فرزندانمان امیدوارانه کوشا باشید و انصافاً چقدر این نگاه به پدر و مادر در ناملایمات فرزندان آرامش می بخشد، چرا که طرف مقاب خدایی است با این اوصاف.

## آثار ناسپاسی به والدین

همچنان که، نیکی و احسان به پدر و مادر، موجب سعادت و رستگاری فرزندان شده و آثار و برکات مادی و معنوی به همراه دارد، ناسپاسی و بدی در حق آنان نیز فرجام ناشایست و آثار ذلت باری را به همراه دارد، که به چند مورد اشاره می کنیم:

- ۱- **محرومیت های اجتماعی:** با اینکه در مورد اهمیت دادن به دستورات اخلاقی، در متون دینی ما سفارشهای اکید شده است، اما در مورد کسانی که به والدین خود اهانت کرده و ناسپاسی می کنند دستورات باز دارنده ای آمده است.
- الف / سلب توفیق در انجام عبادات و ترک گناهان؛ امام رضا (علیه السلام) در این باره می فرماید: «خدایاندا، عقوق والدین و نافرمانی از آنان را حرام کرده است؛ زیرا این کار باعث سلب توفیق الهی در اطاعت از دستورات او می شود.» (۱)





ب / جلوگیری از استجاب و برآورده شدن دعا؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «یکی از گناهانی که مانع قبول شدن دعا می‌گردد، و هوا را تیره می‌کند، عقوق والدین است»؛ و تیره شدن هوا کنایه از این است که بی‌احترامی به والدین مانع ادراک قلب نسبت به حق است. (۲)

ج / شقاوت و بدبختی؛ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «آزار رساندن به پدر و مادر، جزو گناهان کبیره است؛ زیرا خداوند کسی که مورد عاق والدین قرار گرفته است را گناه کار و شقی و بدبخت قرار داده است». (۳) ۸۸

۲- **سلب عدالت:** شخصی به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشت: «پیش‌نمازی که تمام شرایط امامت را دارا است، جز اینکه با پدر و مادرش، رفتاری تند دارد و با سخنان درشت آنان را می‌رنجاند، آیا شایستگی امامت را دارد و ما می‌توانیم به او اقتداء کنیم؟» پیشوای ششم (علیه السلام) فرمود: «لَا تَقْرَأُ خَلْفَهُ مَا لَمْ يَكُنْ عَاقًا قَاطِعًا» ۸۹ تا زمانی که او با پدر و مادرش رفتاری ناشایست دارد و والدین خود را ناراحت می‌کند، پشت سر او نماز نخوان.»

### \* فراز نهم: بخشش اشتباهات والدین

«اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ أَسْرَفًا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ، أَوْ ضَيَعًا لِي مِنْ حَقٍّ، أَوْ قَصْرًا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَكُمَا، وَ جَدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعْتِهِ عَنْهُمَا، فَإِنِّي لَا أَتَّهِمُهُمَا عَلَيَّ نَفْسِي، وَ لَا أَسْتَبْطِئُهُمَا فِي بَرِّي، وَ لَا أُكْرَهُ مَا تَوَلَّيَاهُ مِنْ أَمْرِي يَا رَبُّ خَدَايَا! إِنْ كُنْتُ فِي حَقِّ مَنْ كَوَّنْتَهُ مِنْ كَوْنِي فَكُنْ لِي مِنْهُ بِرَحْمَتِكَ وَ بِرَحْمَةِ مَنْ تَعَلَّقَ بِكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ لَا تُؤْتِنِي بِعَنْتِهِمْ مِنْ عَنِّي، وَ لَا تُؤْتِنِي بِعَنْتِهِمْ مِنْ عَنِّي، وَ لَا تُؤْتِنِي بِعَنْتِهِمْ مِنْ عَنِّي»

یا تزییع حق یا نادیده گرفتن امر واجبی صورت گرفته است ، من همه ی آنها را می بخشم و از آنها درمی‌گذرم و مایلیم تو نیز آنان را ببخشی ؛ چرا که من آنان را به تقصیر متهم نمی‌کنم و به مسامحه و کم کاری منسوب نمی‌سازم و سرپرستی آنان درباره ی خود را ناخوش ندارم . ای پروردگار من.»

حال باید توجه داشت چنانچه پدر و مادر به فرزند خود ظلم کردند، نگاه و رفتار این فرزند چگونه باید باشد؟ امام سجاد (علیه السلام) به ما می‌آموزد که هر دو را ببخشیم و البته آن حضرت در فراز دهم چیرایی آن را بیان می‌کنند.

۸۸- (۱) شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۷۹\* (۲) الکافی، دارالحدیث، ج ۴، ص ۲۵۷\* (۳) علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۷۹

۸۹- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ج ۱، ص ۳۷۹.



## حقوق فرزندان بر والدین

حضرت سیدالساجدین (علیه السلام) در این جا به حقوق فرزندان بر والدین اشاره دارد ، زیرا هم چنان که برای پدر و مادر حقوق بسیاری بر فرزندان لحاظ شده است ، برای فرزندان نیز حقوقی منظور شده است که ادای آنها بر والدین واجب است .

امام زین العابدین (علیه السلام) در رساله حقوق می فرماید: « و أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ المَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ ؛ حق فرزندان بر تو آن است که بدانی او از تو است و خیر و شر دنیوی او دامن گیر تو خواهد بود و تو در برابر فرزند خود مسئولی که او را به بهترین وجه ادب کنی و به طرف خداوند - جل جلاله - هدایت نمایی . بنابراین ، نسبت به او خود را چنان موظف بدان که در مقابل احسان به او جزای نیکو داری و در صورت آزار وی و سرباز زدن از ادای حقوقش منتظر عقاب الهی باش . »

نیز از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرمود : « يَلْزِمُ الْوَالِدِينَ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَدِهِمَا مَا يَلْزِمُ الْوَالِدَ لَهُمَا مِنَ عُقُوقِهِمَا ؛ آن چه بر عاق شدن فرزند مترتب است ، عینا متوجه پدر و مادری خواهد شد که به وظایف خود در مورد اولاد کوتاهی می کنند .

در روایات دیگر این مضامین آمده است که حق فرزند بر پدر و مادر آن است که او را ادب کنند و از تربیت مناسب بهره مند سازند و عقاید صحیح را به او بیاموزند و در ایمان و اعتقاد او بکوشند و حرام به او نخورانند و مناظر منکر را به او ننمایانند . نیز آمده است که در قیامت بسیاری از فرزندان ، از پدر و مادر خود شکایت خواهند کرد و از خداوند متعال می خواهند که آنها را سرزنش کند ، زیرا موجب شده اند که فرزند دیروز وی امروز (قیامت) در کنار انبوه آتش و عذاب قرار گیرد .

## دعا برای والدین ، وظیفه ی فرزند

امام (علیه السلام) در این قسمت هم وظیفه ی دیگری را برای فرزندان برشمرده است و آن ، طلب مغفرت برای والدین در برابر کوتاهی ایشان است ؛ یعنی چنان چه انسان تقصیری در ادای وظایف از سوی پدر و مادر



مشاهده کرد، حتما آنان را عفو کند و از خدا برای والدین خود مغفرت بطلبد و علو درجات آنان را درخواست کند و تا می تواند با حسن ظن به آنان نظر کند و آنان را در آن چه کرده اند، معذور بداند و کم کاری آنان را بر عمد و تقصیر حمل نکند، بلکه چنین بیندیشد که شاید توان ذهنی یا امکان عملی آنان بیش از این نبوده است. اصولاً توقع بیش از قدرت فهم و توان افراد بی جا است. از این رو، باید در مقابل زحمات و رنج های فراوانی که پدر و مادر متحمل شده اند، از تقصیرهای احتمالی آنان در گذشت و از خداوند متعال برای آنان درخواست بخشش و مغفرت نمود. امام سجاد (علیه السلام) در فراز ششم به همین مسئله ی ظریف اشاره می فرماید.

### \* فراز دهم: پاسخ بدی هرگز!

« فَهَمَّا أُوجِبُ حَقًّا عَلَيَّ، وَ أَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَيَّ، وَ أَعْظَمُ مِنَّةً لَدَيَّ مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا بَعْدَلٍ، أَوْ أُجَازِيَهُمَا عَلَيَّ مِثْلٍ، أَيْنَ إِذَا- يَا إِلَهِي- طُولُ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِيَّتِي! وَ أَيْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمَا فِي حِرَاسَتِي! وَ أَيْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ! خداوند! رعایت حق آنان بر من واجب تر، و احسانشان نسبت به من دیرین تر، و نعمت شان بر من بیشتر از آن است که آنان را از روی عدل قصاص کنم، یا نسبت به ایشان مانند آن چه نموده اند رفتار کنم، ای خدای من! اگر چنین کنم پس روزگار طولانی که در تربیت من سپری کرده اند، و رنج های زیادی که در نگهداری من تحمل نموده اند، و آن همه که بر خود تنگ گرفتند، تا به زندگی من گشایش بخشند، چه می شود؟»

این نکته لازم به توضیح است که فرزندان هرگز نباید به پدر و مادر خویش بی احترامی کنند و باید تا حد توان والدین بد را هم محترم شمرد، اما اطاعت غیر از تکریم است و آن محدود به حدود الهی است.

### محدوده اطاعت

رعایت این همه حقوق والدین در صورتی است که خواسته آنان در جهت مخالف و نقض حقوق دیگران نباشد و گرنه اگر کسی به بهانه خدمت به پدر و مادر حقوق مسلم همسر و فرزندان و سایر برادران و خواهران ایمانی را نادیده انگاشته و موجب آزار و اذیت آنان شود؛ نه تنها ثوابی انجام نداده بلکه مرتکب گناهی نابخشودنی شده است.



بنابراین والدین را فقط می توان در مسیر حق اطاعت نمود ولی اگر آنان بخواهند در راه باطل قدم بر دارند برای فرزندان لازم است از هم راهی با آنان خود داری نمایند.

روزی امام حسین (علیه السلام) از مقابل عبدالله بن عمرو عاص می گذشت ، عبدالله با مشاهده امام حسین (علیه السلام) به حاضرین گفت : هر کس دوست دارد محبوب ترین مردم زمین را، در نزد اهل آسمان ببیند، پس به این شخص عابر بنگرد، گرچه من از حادثه صفین تا کنون با او سخن نگفته ام . ابو سعید خدری او را نزد امام حسین (علیه السلام) آورده و گفته هایش را مطرح نمود. حضرت (علیه السلام) از عبدالله پرسید: آیا تو می دانستی که من محبوبترین مردم زمین ، نزد آسمانیانم و در عین حال با من و پدرم در صفین به جنگ بر خواستی؟ به خدا سوگند که پدر من از من بهتر بود!

عبدالله پوزش خواست و گفت : پیامبر (صلی الله علیه و آله) به من فرمود: از پدرت اطاعت کن . حضرت (علیه السلام) فرمود: آیا فرموده خداوند متعال را نشنیده ای که می فرماید: « وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا »<sup>۹۰</sup> اگر پدر و مادرت تو را وادار کنند که آنچه را نمیدانی شریک خدا قرار دهی ، امر آنان را اطاعت مکن! و آیا فرموده رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را نشنیده بودی که : همانا اطاعت از غیر خدا، فقط در کارهای نیک است؟! و نیز گفتار آن بزرگوار را که : هیچ مخلوقی را در چیزی که نافرمانی آفریدگار است ، نباید اطاعت کرد؟!<sup>۹۱</sup>

از آنجا که توصیه به نیکی در مورد پدر و مادر، ممکن است این توهم را برای بعضی ایجاد کند که حتی در مساله عقائد و کفر و ایمان ، باید با آنها مدارا کرد، در سوره لقمان که در کلام امام حسین (علیه السلام) نیز به آن اشاره شد می فرماید: «هرگاه آن دو، تلاش و کوشش کنند که چیزی را شریک من قرار دهی که از آن (حداقل) آگاهی نداری ، از آنها اطاعت مکن؛ وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ؛ در این آیه به دو نکته دقیق اشاره شده :

۱- هرگز نباید رابطه انسان با پدر و مادرش ، مقدم بر رابطه او با خدا باشد، و هرگز نباید عواطف خویشاوندی حاکم بر اعتقاد مکتبی او گردد.

۹۰- لقمان/ ۱۵

۹۱- المناقب ، ج ۴، ص ۷۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۷. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام ، ص ۸۰۲.





تعبیر به جاهداک اشاره به این است که پدر و مادر گاهی به گمان اینکه سعادت فرزند را می‌خواهند، تلاش و کوشش می‌کنند که او را به عقیده انحرافی خود بکشانند، و این در مورد پدران و مادران زیادی دیده می‌شود.

وظیفه فرزندان در این گونه موارد این است که هرگز در برابر این فشارها تسلیم نشوند، و استقلال فکری خود را حفظ کرده، عقیده توحید را با هیچ چیز معاوضه نکنند.

۲- ممکن است، این فرمان، این توهم را به وجود آورد که در برابر پدر و مادر مشرک، باید شدت عمل و بی‌حرمتی به خرج داد، بلافاصله اضافه می‌کند که عدم اطاعت آنها در مساله کفر و شرک، دلیل بر قطع رابطه مطلق با آنها نیست بلکه در عین حال با آنها در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن (و صاحبهما فی الدنيا معروفا)؛ از نظر دنیا و زندگی مادی با آنها مهر و محبت و ملامت کن و از نظر اعتقاد و برنامه‌های مذهبی، تسلیم افکار و پیشنهادهای آنها نباش، این درست نقطه اصلی اعتدال است که حقوق خدا و پدر و مادر، در آن جمع است.<sup>۹۲</sup>

### \* فراز یازدهم: حقوق جبران ناپذیر

« هِيَهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا، وَ لَا أُدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمَا، وَ لَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيْفَةَ خِدْمَتِهِمَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِنِّي يَا خَيْرَ مَنْ اسْتُعِينَ بِهِ، وَ وَقِّفْنِي يَا أَهْدَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ هیهات! که پدر و مادرم بتوانند حق خود را از من بستانند، و من نمی‌توانم حقوقی را که از آن‌ها بر عهده دارم جبران نمایم، و وظیفه خدمت آنان را انجام دهم پس بر محمد و آلش درود فرست، و مرا یاری ده! ای بهترین کسی که از تو یاری می‌جویند، و مرا توفیق ده، ای هدایت‌کننده‌ای که به او روی می‌آوردند، در آن روز که همه بدون آن که بر آنان ستم شود، پاداش می‌بینند، مرا در زمره آنان که عاق پدر و مادرند، قرار مده.»

امام سجاد<sup>(علیه السلام)</sup> در این فراز به فرزندان می‌آموزد که: چون فرزندان قطعاً نمی‌توانند متناسب با زحمات والدین، جبران داشته باشند لذا از خداوند بزرگواری باید کمک خواست و این توجه به ضعف خود و عظمت پدر و مادر است. پس حال که ما نمی‌توانیم، باید از بهترین یاور یعنی خداوند قادر کمک بگیریم.

۹۲- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲ و ۴۳.



## فرق خدمات مادر و فرزند

مردی به حضور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده و گفت: یا رسول الله! مادرم پیر شده و در پیش من زندگی می کند او را در پشت خود حمل کرده و برای رفع حوائجش این طرف و آن طرف می برم و از در آمد خویش نیازهای وی را تأمین می نمایم، با دست خود او را از آزار و اذیت ها محافظت می کنم. با کمال ادب و تعظیم و احترام با او رفتار می نمایم. آیا زحمات وی را تا حدودی جبران کرده ام؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: نه، زیرا شکم او جایگاه تو، دست هایش محافظ تو، و آغوش او گهواره ات بوده است. و او این همه خدمات را با رضایت خاطر برای تو انجام داد و آرزو می کرد که تو زنده بمانی. ولی تو خدماتی را به وی ارائه می دهی در حالی که انتظار مرگ او را داری.<sup>۹۳</sup>

## \* فراز دوازدهم: امتیاز ویژه به والدین

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَاخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَأُمَّهَاتِهِمْ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ خداوندا! بر محمد و آل او و نسل او درود فرست و پدر و مادرم را به بهترین چیزی که پدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده ای مخصوص گردان، ای مهربان ترین مهربانان.»

آن چه از این فراز مورد توجه است و ظهور دارد این است که: فرزندان توجه داشته باشند همیشه بهترین ها را برای پدر و مادر بخواهند، چه دنیایی و چه اخروی؛ لذا امام (علیه السلام) بهترین هایی را که خدا به پدران و مادران مؤمن مرحمت کرده است را برای پدر و مادر خویش تقاضا می کند و به ما نیز می آموزد که این گونه باشیم.

## رمز توفیق استاد مطهری (رحمه الله)

آیت الله مطهری (رحمه الله) عامل توفیقات خویش، را داشتن والدین شایسته و تکریم آنان می داند و چنین می گوید: «گاهی که به اسرار وجودی خود و کارهایم می اندیشم، احساس می کنم یکی از مسائلی که باعث خیر و برکت در زندگی ام شده و همواره عنایت و لطف الهی را شامل حال من کرده است، احترام و نیکی فراوانی بوده است که به والدین خود به ویژه، در دوران پیری و هنگام بیماری کرده ام. علاوه بر توجه معنوی

۹۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.



و عاطفی، تا آن جا که تواناییم اجازه می‌داد، باوجود فقر مالی و مشکلات مادی در زندگی‌ام، از نظر هزینه و مخارج زندگی، به آنان کمک و مساعدت کرده‌ام.» یکی از فرزندان شهید مطهری (رحمه الله) نیز در این زمینه می‌گوید: «هرگاه به فریمان (زادگاه آقای مطهری) سفر می‌کردیم، پدرم تأکید خاص داشتند که ابتدا به منزل پدر و مادرشان بروم. پس از آن، اقوامی را که برای دیدن ایشان و خانواده، به منزل حاج شیخ می‌آمدند، می‌پذیرفتند. در موقع روبرو شدن با پدر و مادر، دست آنان را می‌بوسیدند و به ما نیز توصیه می‌کردند که دست ایشان را ببوسیم.»<sup>۹۴</sup>

### \* فراز سیزدهم: یاد همیشگی

«اللَّهُمَّ لَا تُسْنِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَدْبَارِ صَلَوَاتِي، وَ فِي إِنْئِي مِنْ آتَاءِ لَيْلِي، وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي؛ بارالها! مرا به فراموشی یاد آنان پس از نمازهایم و در هیچ آن و لحظه ای از لحظه های عمرم مبتلا مفرما.»  
در روایات زیادی به دعا بعد از نمازها و مخصوصاً نمازهای واجب یومیه سفارش شده است. از جمله امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ فِي أَفْضَلِ السَّاعَاتِ فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ؛ خداوند عزوجل نمازهای پنجگانه را در بهترین اوقات، بر شما واجب نموده است. پس بعد از نمازها، دعا کنید.»<sup>۹۵</sup>

حال که دعا بعد از نمازها به استجابت نزدیک تر است، امام سجاد (علیه السلام) از جمله تعقیبات نماز را دعای بر پدر و مادر قرار می‌دهد که نشان از اهتمام ایشان به والدین است. پس بیایید عهد کنیم از این پس به برکت دعای ۲۴ صحیفه و انس با امام زین العابدین (علیه السلام)، بعد از هر نماز برای پدر و مادرمان دعا کنیم.

### اهمیت یاد پدر و مادر بعد از نمازهای یومیه

از سفارش‌های خداوند به انسان، شکرگزاری در برابر پدر و مادر است که در ردیف سپاس‌گزاری در برابر نعمت‌های پروردگار قرار گرفته است. حق تعالی در آیه ۱۴ سوره لقمان می‌فرماید: «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بَوْلِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَ فِصْلُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِيُؤَدِّكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» ؛ و انسان را درباره پدر و

۹۴- حقوق والدین بر فرزندان از دیدگاه اسلام، مهدی علوی، قم، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۲.

۹۵- خصال، ص ۲۷۸، ح ۲۳



مادرش سفارش کردیم، مادرش به او حامله شد [در حالی که] سستی به روی سستی [به او دست می‌داد] و باز گرفتنش [از شیر] در دو سال است [و سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرت سپاس گزاری کن؛ بازگشت [همه] فقط به سوی من است.

با این که نعمت خدا بیش از آن است که قابل شمارش و حد باشد ولی این آیه دلیل بر عمق وسعت حقوق پدر و مادر است. کوتاهی در ادای تکلیف در حق این دو وجود مبارک، خطایی نابخشودنی است. فرزند باید در زمان حیات آن دو از اطاعتشان بهره ببرد تا موجب آرامش و آسایش روحی آنها شود و در زمان مرگشان برای جبران گذشته‌ها تا حد امکان دعا کند و در نماز و عبادت آمرزش بطلبد و از خدا بخواهد که آنچه را از حقوق آنها ضایع کرده یا به آنان بدی روا داشته، اسباب گذشت و بلندی درجات و فزونی حسنات برای آنها قرار دهد تا خداوند به دعای فرزند، عفو و غفران را شامل حال آنان کند. به هر حال دعا برای والدین، گذشته از آن که وظیفه فرزند است عبادتی برتر و اطاعتی بزرگ در نزد پروردگار است.

امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> به ابی شعیب خراسانی فرمود: کجا سکونت کرده‌ای؟ گفتم: کوفه، فرمود: همانا مسجد کوفه خانه نوح است. هر مردی که صد بار وارد آن شود، خداوند صد گناه او را ببخشد؛ زیرا که نوح <sup>(علیه السلام)</sup> در آن چنین دعا کرد: « رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لَوْ لِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ اَلْمُؤْمِنَاتِ... » <sup>(نوح/۲۸)</sup> پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و هر کس که با ایمان به خانه‌ام درآید و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرزد.

شخصی نزد رسول خدا <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> آمد و گفت: پدر و مادرم از دنیا رفته‌اند، چه حقی از آنان باقی مانده تا بجا بیاورم؟ حضرت فرمودند: برایشان نماز بخوانی و آمرزش بخواهی و عهد وصیت ایشان بجای آری و دوستان ایشان را گرامی بداری و خویشاوندان ایشان را نیکو بداری. حضرت افزودند: حق مادر دو برابر حق پدر است.

آخرین مطلبی که قرآن کریم از سرگذشت ابراهیم <sup>(علیه السلام)</sup> بازگو می‌کند، این که او در برخی سفرهایش در مکه از خداوند، هفت درخواست داشته است: امنیّت مکه، دور ماندن از بت پرستی، توجه قلوب و افکار مؤمنان نسبت به فرزندان و مکتب او، بهره‌مند شدن ذریّه او از ثمرات، توفیق اقامه نماز، قبول شدن دعاها و





آخرین دعایش این است: « رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ » (ابراهیم/۴۱)؛ پروردگارا! روزی که حساب برپا می‌شود، مرا و پدر و مادرم و مؤمنان را ببامرز.

بنابراین در دعا، بستگان و نسل قبل انسان، باید مقدم و محترم یاد شوند.

طلب مغفرت برای والدین در آیات و روایات به جهت کوتاهی آنان است. یعنی چنانچه انسان تقصیری در ادای وظایف از سوی پدر و مادر مشاهده کرد. آنان را عفو کند و از جانب خدا برای والدین خود رحمت و بخشش بخواهد و تا می‌تواند با گمان نیک به آنان نظر کند. کوتاهی و کم لطفی آنان را، بر قصد و تقصیر عمدی نگذارد، بلکه چنین تصوّر کند که توان فکری یا عملی آنها بیش از این نبوده است. از این رو باید در برابر زحمات و رنج‌های فراوان که پدر و مادر متحمل شده‌اند و از خوشی‌ها و لذت‌هایی که محروم شده‌اند، از درگاه حق طلب آمرزش و رحمت برای آنان نمود.

معمر بن خلّاد گفت: به امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: هر گاه پدر و مادرم مذهب حق را نشناسد دعایشان کنم؟ حضرت فرمود: برای آنها دعاکن و از جانب آنها صدقه بده و اگر زنده باشند و مذهب حق را نشناسند با آنها مداراکن؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خدا مرا به رحمت فرستاده، نه نافرمانی و نه نامهربانی.<sup>۹۶</sup>

بنابراین، دعا و مناجات و طلب مغفرت برای پدر و مادر، توفیق معنوی و ذخیره آخرتی برای هر انسان است که بسیاری از این راه به درجات بالاتر رسیده‌اند.

به طور خلاصه، بهترین کاری که فرزند می‌تواند برای پدر و مادر خویش بعد از مرگشان انجام دهد، عبارت است از:

- ۱- انجام واجباتی که از آنها در حال زنده بودنشان از انجام آن بازمانده‌اند؛ مانند حج، نماز، روزه و پرداخت بدهی مالی که داشته‌اند.
- ۲- عمل به آنچه وصیت نموده‌اند.
- ۳- فراموش نکردن آنها تا آخر عمر؛ یعنی به نیابت از آنها صدقه دهد و اعمال مستحبی را به قصد ایشان انجام دهد و تا می‌تواند برایشان خیرات بفرستد و ...



۴- طلب مغفرت برای والدین یکی دیگر از وظایف مهم فرزند در قبال پدر و مادر بعد از مرگ آنها است. فرزند باید در حق آنها دعای خیر کند و طلب مغفرت نماید، بویژه در صورتی که انسان بداند که پدر و مادرش در زندگی خود از نظر اعمال، رفتار و انجام عبادات خدای نکرده، نواقصی داشته‌اند، در این صورت طلب عفو و مغفرت می‌تواند بسیار مفید باشد.

۵- به نیکی یاد کردن از پدر و مادر: انسان وظیفه دارد که احترام پدر و مادر را حتی بعد از مرگشان حفظ کند و همیشه از آنها به خوبی یاد کند.

۶- نگاه داشتن حرمت آنها بعد از مرگشان. فرزند با رفتار و کردار شایسته در جامعه باعث دعای خیر مردم برای پدر و مادر خویش شده و وجود خود را صدقه جاریه‌ای برای والدینش قرار می‌دهد.

«الإمامُ الباقرُ عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ بَارًّا بِوَالِدَيْهِ فِي حَيَاتِهِمَا ثُمَّ يَمُوتَانِ فَلَا يَقْضِي عَنْهُمَا دِيُونَهُمَا وَ لَا يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ عَاقًا وَ إِنَّهُ لَيَكُونُ عَاقًا لَهُمَا فِي حَيَاتِهِمَا غَيْرَ بَارٍّ لَهُمَا فَإِذَا مَاتَا قُضِيَ دَيْنُهُمَا وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمَا فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ بَارًّا»؛<sup>۹۷</sup> امام باقر (علیه السلام) فرمود: همانا بنده‌ای نسبت به پدر و مادر خویش در زمان حیاتشان نیکوکار است، سپس آنها می‌میرند و او بدهی آنها را نمی‌پردازد و برای آنها آمرزش نمی‌خواهد؛ لذا خدا او را عاق و نافرمان می‌نویسد. اما بنده دیگر در زمان حیات پدر و مادر خود، عاق آنها است و نسبت به آنها نیکی نمی‌کند، ولی چون از دنیا رفتند بدهی آنها را می‌پردازد و برای آنها آمرزش می‌خواهد و خدای عز و جل او را نیکوکار می‌نویسد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله): سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرٌّ وَالِدَيْهِ بَعْدَ فَوْتِهِمَا (بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۸۶)؛ رسول خدا (صلى الله عليه و آله) در مورد فرزندان نیکوکار فرمود: سرور نیکان در روز قیامت مردی است که بعد از مرگ پدر و مادرش به آنان نیکی کرده باشد.

بنابراین فرزند خوب فرزندی است که هر آنچه در توان دارد نسبت به پدر و مادرش انجام دهد، اعم از دعا و خیرات.



## \* فراز چهاردهم: والدینم را بهشتی کن!

« اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا، وَاعْفِرْ لَهُمَا بِيهِمَا بِي مَغْفِرَةً حَتْمًا، وَارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضَى عَزْمًا، وَبَلِّغُهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ؛ معبودا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به برکت دعایی که برای آنان دارم بیامرز و آنان را به خاطر خوبی هایی که در حق من داشته اند، مشمول آمرزش حتمی خود قرار ده ، و به شفاعت و میانجی گری من از آنان به طور حتمی خوشنود شو، و آنان را با بزرگواری و کرامت به سرمنزل مقصودشان در بهشت برین برسان .»

همچنین این فراز ظهور در این دارد که: دعای فرزندان در حق پدر و مادر جداً باعث غفران الهی به آنان است و از طرفی، به طور قطع نیکی آنها نسبت به فرزندان نیز باعث بخشش گناهانشان می شود و رضایت الهی را به دنبال دارد و بهشت برین را که سراسر امن و سلامتی است به ارمغان خواهد آورد. ان شاء الله

## آثار نیکی به والدین در فرهنگ اسلامی

نیکی کردن به دیگران از ویژگی های بارز انسان های خدا جو و حقیقت طلب می باشد. این خصلت ارزشمند موجب می شود که انسان همواره در راه رسیدن به قله های سعادت و نیک بختی موفق و با نشاط باشد. قرآن کریم با ستایش از نیکو کاران، آثار و برکات دنیوی و اخروی آنها نیز بیان می کند. در این جا به موضوع نیکی به والدین و آثار قابل توجه آن؛ که از شاخه های مهم نیکی کردن می باشد، از منظر قرآن و روایات می پردازیم.

با مروری اجمالی به آیات نورانی قرآن کریم و احادیث و روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) می توان آثار و نتایج فراوانی را در مقابل نیکی و احسان به دست آورد و نیکی به والدین از شاخصترین و بارزترین مصادیق آن است ، که ما در این نوشتار به برخی از آنان اشاره می کنیم :

### ۱- کامل شدن بندگی :

یکی از آثار نیکی به والدین این است که عبادت و ستایش خداوند و مقام بندگی بوسیله آن؛ برای انسانها تکمیل می شود چراکه خداوند متعال در سوره اسراء بعد از فرمان عبادت خویش می فرماید: وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا



تَعْبُدُوا إِلَهًا إِلَّا إِلَاهَهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أْفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛<sup>۹۸</sup> و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو!

وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛<sup>۹۹</sup> و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!» و در سوره نساء بعد از دستور به عبادت خداوند و نهی از شرک، نیکی به والدین را مطرح کرده و می‌فرماید: وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛<sup>۱۰۰</sup> و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید.

از این لحن آیات معلوم می‌شود که عبادت خداوند بدون توجه به مقام و ارزش والدین ناقص خواهد بود. هم چنانکه در روایات آمده: شخصی از امام جعفر صادق (علیه السلام) سؤال کرد: پیش نمازی است که تمام شرائط امامت را داراست، جز اینکه با پدر و مادرش رفتاری تند دارد، وبا سخنان درشت آنان را می‌رنجاند؛ آیا به این پیش نماز اقتداء بکنم یا نه؟ پیشوای ششم (علیه السلام) فرمود: «تا زمانی که او با پدر و مادرش رفتاری ناشایست دارد و والدین خود را ناراحت می‌کند، در پشت سر او نماز نخوان.»<sup>۱۰۱</sup>

یعنی نمازی که بدون نیکی به والدین باشد کامل نیست.

## ۲- سعادت دنیا و آخرت:

از دیگر آثار نیکی به پدر و مادر سعادت مندی و عزت در دنیا و آخرت است. قرآن در زمینه پاداش گسترده نیکوکاران می‌فرماید: فَاتْتَهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ<sup>۱۰۲</sup> خداوند پاداش دنیا و زیبایی ثواب آخرت را به نیکوکاران می‌دهد و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

۹۸- اسراء/ ۲۳

۹۹- اسراء/ ۲۴

۱۰۰- نساء/ ۳۶

۱۰۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۷۹.

۱۰۲- آل عمران/ ۱۴۸



هم چنین خداوند متعال در قرآن کریم به داستانی اشاره می فرماید، که یکی از مهمترین آثار محبت و احترام به پدر و مادر را نشان می دهد با توجه به اهمیت آن، نام بزرگترین سوره قرآن برگرفته از این داستان عبرت آموز می باشد. مفسران در تفسیر این آیه در سوره بقره که : **وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً قَالُوا...؛**<sup>۱۰۳</sup> (و بخاطر بیاورید) هنگامی را که موسی بقوم خود گفت: خداوند به شما دستور می دهد ماده گاوی را ذبح کنید.

نقل می کنند: صاحب این گاو مرد نیکوکاری بود و نسبت به پدر خویش احترام فراوان قائل می شد، در یکی از روزها که پدرش در خواب بود معامله پر سودی برای او پیش آمد، ولی او به خاطر اینکه پدرش ناراحت نشود، حاضر نشد وی را بیدار سازد و کلید صندوق را از او بگیرد، در نتیجه از معامله صرف نظر کرد.

حتی بعضی از مفسران گفته اند: فروشنده حاضر شد آن جنس را به هفتاد هزار بفروشد به این شرط که نقد بپردازد، و پرداختن پول نقد منوط به این بوده است که پدر را بیدار کند و کلید صندوقها را از او بگیرد، ولی جوان مزبور حاضر می گردد که به هشتاد هزار بخرد ولی پول را پس از بیداری پدر بپردازد! بالاخره معامله انجام نشد. خداوند نیز در مقابل این گذشت جوان و نیکی به پدر ، معامله پرسود بالا را برای او فراهم ساخت.<sup>۱۰۴</sup>

مفسران در این زمینه یادآور می شوند که گاو مورد نظر، در آن محیط منحصر به فرد بوده است و بنی اسرائیل آن را به قیمت بسیار گزافی خریدند. به این ترتیب آن جوان در اثر نیکی به پدر به بهره عظیم دنیوی رسید و با کسب رضایت الهی به پاداش اخروی نیز نائل خواهد شد .

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز در تفسیر این آیه می فرماید: **انظروا اِلَى الْبِرِّ مَا بَلَغَ بِأَهْلِهِ ؛** نیکی را بنگرید که با نیکو کار چه می کند؟!<sup>۱۰۵</sup>

### ۳- بهشت:

رسیدن به درجات عالی بهشت از دیگر ثمرات و آثار نیکی به پدر و مادر است. خداوند متعال در سوره یونس می فرماید: **لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ ۚ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا**

۱۰۳- بقره/ ۶۷الی ۷۴.

۱۰۴- تفسیر ابن کثیر ج ۱/ ص ۱۹۰ / ابن کثیر دمشقی / دارالکتب العمیه / بیروت. تفسیر نمونه / ج ۱/ ص ۳۱۱ / ناصر مکارم شیرازی.

۱۰۵- تفسیر نور الثقلین / ج ۱/ ص ۸۸/ عبدالعلی عروسی حویزی / نشر اسماعیلیان / قم. تفسیر نمونه / ج ۱/ ص ۳۱۰.



خَالِدُونَ<sup>۱۰۶</sup> کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک و افزون بر آن دارند و تاریکی و ذلت، چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند آنها اهل بهشتند، و جاودانه در آن خواهند ماند.

روایتی زیبا در این زمینه این وعده قرآنی را روشنتر می‌سازد: مردی به حضور امام جعفر صادق علیه السلام آمده و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! پدر من پیر شده است من او را به آغوش گرفته و برای رفع نیازهایش به این طرف و آن طرف می‌برم امام فرمود: تا می‌توانی این کار را خودت انجام بده که این عمل تو را به بهشت خواهد برد.<sup>۱۰۷</sup>

و در آیه دیگری در مورد این ثمره نیکو کاری می‌فرماید: **إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ \* آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ<sup>۱۰۸</sup>** به یقین، پرهیزگاران در باغهای بهشت و در میان چشمه‌ها قرار دارند، و آنچه پروردگارشان به آنها بخشیده دریافت می‌دارند، زیرا پیش از آن (در سرای دنیا) از نیکوکاران بودند! پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در یک جمله زیبا مقام و منزلت حقیقی مادر را چنین بیان می‌کند: **الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ<sup>۱۰۹</sup>** بهشت زیر پای مادران است و در جمله ای دیگر می‌فرماید: **تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ، رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ<sup>۱۱۰</sup>** زیر پای مادران باغی از باغ های بهشت است. این سخنان بزرگ رهبر جهان اسلام، نهایت تکریم مقام مادر است، یعنی هر کس بخواهد به عالی ترین مقامات انسانی و بهشت دست یابد، باید مادر خود را تکریم کند.

آبروی اهل ایمان خاک پای مادر است  
هر چه دارند این جماعت از دعای مادر است  
آن بهشتی را که قرآن می‌کند توصیف آن  
صاحب قرآن بگفتا زیر پای مادر است

#### ۴- وفا به پیمان الهی

خداوند متعال از انسانها پیمان گرفته که جز او پرستش نشود و با والدین نیک رفتاری شود. انسان در اثر نیکی به والدین و معاشرت شایسته با آنان، توفیق پیدا می‌کند که به این عهد الهی وفا کند. کلام وحی با

۱۰۶- یونس / ۲۴.

۱۰۷- عدة الداعی/ص/۸۶/بن فهد حلی / دارالکتب الاسلامی / ۱۴۰۷ ق .

۱۰۸- الذاریات / ۱۵ و ۱۶،

۱۰۹- مستدرک الوسائل ، ج ۱۵، ص ۱۸۱

۱۱۰- همان .



اشاره به این عهد خداوندی می‌فرماید: **وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ؛**<sup>۱۱۱</sup> و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و به مردم نیک بگویید نماز را برپا دارید و زکات بدهید. سپس (با اینکه پیمان بسته بودید) همه شما- جز عده کمی- سرپیچی کردید و (از وفای به پیمان خود) روی‌گردان شدید.

### ۵- فرزندان صالح

از منظر آیات نورانی قران نیکی کردن در این جهان، در هر دو عالم اثر وضعی و عکس العمل طبیعی، خواهد داشت و نیکوکاری هر کس در نهایت به خود او بر می‌گردد. خداوند می‌فرماید: **إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا؛**<sup>۱۱۲</sup> اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید. در همین راستا کلام امام صادق<sup>(علیه السلام)</sup> نیز قابل دقت است که فرمود: **بَرُّوا آبَائَكُمْ يَبْرِكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ؛**<sup>۱۱۳</sup> به پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان نیز به شما نیکی کنند. یعنی نیکی شما به والدین در حقیقت به خودتان بر می‌گردد. هم‌چنانکه بدی کردن با دیگران همین نتیجه را در پی دارد.

### ۶- آمرزش گناهان

بخشودگی گناهان یکی دیگر از آثار محبت و خوشرفتاری با والدین است. این معنی در سوره هود چنین آمده است: **إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّاكِرِينَ**<sup>۱۱۴</sup>؛ نیکی‌ها، گناهان (و آثار آنها را) از بین می‌برند این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند!

هم چنین در آیه دیگری می‌فرماید: **لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ يُكْفَرُ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيهِمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ**<sup>۱۱۵</sup>؛ انسان‌های نیک رفتار، آنچه بخواهند نزد پروردگارشان

۱۱۱- بقره/ ۸۳.

۱۱۲- اسراء/ ۷.

۱۱۳- الکافی/ ج ۵/ ۵۵۴/ محمد بن یعقوب کلینی/ دارالکتب السلامیه/ تهران- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۶۵.

۱۱۴- هود/ ۱۱۴.

۱۱۵- زمر/ ۳۵ و ۳۵.



برای آنان موجود است و این است جزای نیکوکاران! تا خداوند بدترین اعمالی را که انجام داده‌اند (در مقابل اعمال نیک شان) بیامرزد، و آنها را به سبب کارهای خوبشان که انجام می‌دادند پاداش دهد!

پیشوای ششم (علیه السلام) در ضمن حکایتی؛ این اثر نیکی به والدین را این گونه توضیح داده است: روزی مردی به حضور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده و گفت: ای رسول خدا! زمانی من صاحب دختری شدم. او را پرورش دادم تا به حد بلوغ رسید، تا آن که روزی بر وی لباس نو پوشانده و آراستم و آن گاه بر سر چاهی آورده و در میان آن انداختم. او ناله می کرد و استمداد می طلبید، آخرین سخنی که از او به گوشم رسید، این بود که با آه و ناله می گفت: بابا...! یا رسول الله! کفاره این گناه من چیست؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای مرد! آیا مادرت زنده است؟ گفت: نه. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: آیا خاله ات زنده است؟ مرد گفت: بلی. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او سفارش کرد: ای مرد! برو و با خاله ات خوش رفتاری کن و به او نیکی نما زیرا که او به منزله مادر تو است و نیک رفتاری با او کفاره گناه تو خواهد بود. امام صادق (علیه السلام) در ادامه سخن خود افزود: در زمان جاهلیت پدران، دختران خود را می کشتند که مبادا اسیر شده و در میان قبیله های دیگر صاحب فرزندی شوند.<sup>۱۱۶</sup>

## ۷- فتح قله های فضیلت

اتمام نعمت و رسیدن به قله های فضیلت و سعادت از دیگر برکات خداوند، به نیکی کنندگان به والدین است در کلام وحیانی قرآن می خوانیم: **ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَ تَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ**<sup>۱۱۷</sup> سپس به موسی کتاب (آسمانی) دادیم (و نعمت خود را) بر آنها که نیکوکار بودند، کامل کردیم و همه چیز را (که مورد نیاز آنها بود، در آن) روشن ساختیم.

در روایتی آمده است: حضرت موسی (علیه السلام) مردی را دید که در پیشگاه حضرت حق به مقام والایی نائل شده است. درجه بلند او در نظرش مهم جلوه کرد و به حال او غبطه خورد. به این جهت در پیشگاه خداوند متعال عرضه داشت: خدایا! به چه علت این بنده ات را به این مقامات عالی رسانده ای؟ خداوند فرمود: ای موسی! او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و در راه سخن چینی هیچ گاه قدم برنداشته است.<sup>۱۱۸</sup>

۱۱۶- الکافی، کتاب الایمان و الکفر، باب البر الدین، حدیث ۱۸.

۱۱۷- انعام/ ۱۵۴.

۱۱۸- روضة الواعظین/ ج ۲/ ص ۳۶۷. محمد فتال نیشابوری/ نشر رضی/ قم.





## ۸- کامرانی در زندگی

کسانی که در راه نیکی به والدین گام برمی دارند همواره در اثر دعای خیر والدین خود و امداد الهی، در زندگی موفق و کامیاب خواهند بود. در سوره نحل آمده است: **لَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لَكَ دَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ** <sup>۱۱۹</sup> (آری،) برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است و سرای آخرت از آن هم بهتر است و چه خوب است سرای پرهیزگاران!

یکی از مهم ترین عوامل توفیق و کامرانی در زندگی که موجب می شود انسان از ابعاد مختلف زندگی بهره کافی برده و آرامش خود را باز یابد، نیکی کردن به دیگران است و خدمت به پدر و مادر بالاترین نیکوکاری است. رسول خاتم (صلی الله علیه و آله) با اشاره به این نکته فرمود: خداوند چهار نعمت را در گرو چهار عمل قرار داده است: ۱. بهره مندی از دانش را در احترام به استاد ۲. تداوم ایمان را در تعظیم خداوند ۳. کامرانی و لذت زندگی را در نیکی به پدر و مادر ۴. نجات از آتش جهنم را در ترک آزار و اذیت مردم. <sup>۱۲۰</sup>

## ۹- توفیقات معنوی

از دیگر اثرات نیکی به والدین قرار گرفتن انسان در ردیف اطاعت کننده گان از خدا و پیامبر ص است. او با این عمل نیک خود توفیق می یابد: هم به آیه شریفه «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا»؛ <sup>۱۲۱</sup> ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. عمل کرده و هم از رسول خدا ص اطاعت نماید.

مردی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، در مورد خدمت به پدر و مادر سؤال کرد. آن حضرت (صلی الله علیه و آله) فرمود: به مادرت نیکی کن، به مادرت نیکی کن، به مادرت نیکی کن، با پدرت خوشرفتاری کن، با پدرت خوشرفتاری کن، با پدرت خوشرفتاری کن. <sup>۱۲۲</sup> از آن جایی که اطاعت از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) که در راستای پیروی از او امر خداوند متعال است خود ثوابی دیگر دارد و رستگاری و پیروزی را به دنبال می آورد و خداوند متعال فرمود: **وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا**؛ <sup>۱۲۳</sup> هر کس از خدا و رسولش اطاعت کند

۱۱۹- نحل / ۳۰.

۱۲۰- مواظظ العديده / ص ۲۰۸ / علی مشکینی / نشر الهادی / قم.

۱۲۱- احقاف / ۱۵.

۱۲۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

۱۲۳- احزاب / ۷۱.



به رستگاری و پیروزی بزرگی دست یافته است . به این جهت فرزندان صالحی که در معاشرت با والدین خود خوشرفتاری پیشه می کنند، از دستور رسول گرامی اسلام پیروی نموده و به درجات با شکوهی که خداوند متعال وعده داده است نائل می شوند.

### **\* علت توفیقات حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)**

از مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) نقل شده است که ایشان در مورد رمز موفقیت‌های خود می‌فرماید: بنده اگر در زندگی خود در هر زمینه ای توفیقاتی داشته ام ، وقتی محاسبه می‌کنم به نظرم می‌رسد که این توفیقات باید از یک کارنیکی که من نسبت به یکی از والدینم انجام داده ام باشد.

سپس در ادامه ی خاطره ای را که رمز موفقیت ایشان می تواند حساب شود، اینگونه نقل می فرماید: پدرم در سنین پیری - بیست و چند سال قبل از فوت - به بیماری آب چشم که موجب نابینائی می شود مبتلا شد بنده در آن موقع در قم مشغول تحصیل و تدریس بودم ، از قم مکررا به مشهد می آمدم و ایشان را به دکتر می بردم ، و دوباره باز می‌گشتم تا اینکه در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی به ناچار برای معالجه ، ایشان را به تهران آوردم ، اطباء در ابتداء ما را مایوس کردند گرچه بعد از دو سه سال یک چشم ایشان معالجه شد و تا آخر عمر هم میدید، اما آن زمان مطلقاً نمی توانست با چشمهایش جائی را ببیند و باید دست اش را می گرفتیم؛ و این برای من یک غصه (بزرگ) شده بود، زیرا اگر به قم می آمدم، ایشان مجبور بود در گوشه ای از خانه بنشینند و قادر به مطالعه و معاشرت و هیچ کاری نبود، و انس و الفتی هم که با من داشت با دیگر برادران نداشت ، با من به دکتر می رفت ولی همراه شدن با دیگران و رفتن به دکتر برایش آسان نبود، وقتی بنده نزد ایشان بودم برایشان کتاب می خواندم و با هم بحث علمی می کردیم و از این رو با من مائوس بود، به هر حال احساس کردم اگر ایشان را در مشهد مقدس تنها رها کنم و به قم برگردم، ایشان به یک موجود معطل و از کار افتاد تبدیل می شود که برای خود ایشان بسیار سخت بود، برای من نیز خیلی ناگوار بود از طرفی دوری از قم نیز برای من غیر قابل تحمل بود، زیرا که من با قم انس داشتم و تصمیم گرفته بودم که تا آخر عمر در قم بمانم .

بر سر دو راهی گیر کرده بودم ، این مساله در ایامی بود که ما برای معالجه پدرم در تهران بودیم ، روزهای سختی را در حال تردید گذارندم .



عصر تابستانی بود که سراغ یکی از بزرگان و دوستانم در چهار راه حسن آباد تهران رفتم او اهل معنا و آدم با معرفتی بود، جریان را به ایشان تعریف کردم، در ضمن گفتم: من دنیا و آخرت خودم را در قم می بینم، اگر اهل دنیا باشم دنیای من در قم است و اگر اهل آخرت هم باشم آخرت من در قم است، خلاصه من باید از دنیا و آخرت خودم بگذرم که با پدرم به مشهد بروم و در آنجا بمانم!

آن بزرگوار تأمل مختصری کرد و فرمود: شما برای خدا از قم دست بکش و به مشهد برو، خداوند متعال می تواند دنیا و آخرت تو را از قم به مشهد منتقل کند.

من در سخنان ایشان تأملی کردم عجب حرفی است! انسان می تواند با خداوند معامله کند، با خودم گفتم برای خاطر خدا، پدرم را به مشهد می برم و همانجا می مانم، خداوند هم اگر اراده فرمود، می تواند دنیا و آخرت مرا از شهر قم به مشهد مقدس بیاورد، تصمیم خود را گرفتم، دلم باز شد و ناگهان از این رو به آن رو شدم یعنی کاملاً راحت شدم و با حالت بشاش و آسودگی خاطر به منزل آمدم.

والدین من که چند روزی بود که مرا ناراحت میدیدند، از بشاش بودن من تعجب کردند به آنها گفتم: من تصمیم گرفتم با شما به مشهد بیایم و آنجا بمانم، آنها اول باورشان نمی شد که من از قم دست بکشم، با آنها به مشهد مقدس رفتم و آنجا ماندم و خداوند متعال بعد از آن، توفیقات زیادی به ماداد و به هر حال به دنبال کار و وظیفه خود رفتم، اگر بنده در زندگی خود توفیقی داشتم اعتقادم این است که ناشی از همان بر و نیکی است که به پدر و مادرم انجام داده ام.<sup>۱۲۴</sup>

### ۱۰- تکیه گاه مطمئن

خداوند می فرماید: وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ<sup>۱۲۵</sup>؛ کسی که تسلیم خدا باشد در حالی که نیکوکار است؛ به دستگیره محکمی چنگ زده (و به تکیه گاه مطمئنی تکیه کرده است) و عاقبت همه کارها به سوی خداست.

آری اثر نیکی به والدین این است که فرزندان به این وسیله توفیق می یابند با انجام وظیفه انسانی خود، در مسیر مطمئن قرار گیرند و به این وسیله، به سوی ارزشهای انسانی- الهی حرکت کنند. خداوند متعال در

۱۲۴- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

۱۲۵- لقمان / ۲۲.



آیات متعددی به این موضوع مهم می پردازد و به انسان توصیه می کند که نیکی به پدر و مادر را در سر لوحه زندگی قرار دهد و به این وسیله در پناه دژ مستحکم الهی قرار گیرد و خود را بیمه کند .

### ۱۱- راحتی در حال مرگ

قرآن در مورد نیکو کاران می فرماید: بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ<sup>۱۲۶</sup> ؛ هر کس خود را از هر جهت برای خدا خالص و پاک گردانید در حالی که نیکوکار است پاداش نیکو کاری او نزد پروردگارش خواهد بود و ایشان را خوف و ترسی نیست و نیز (هنگام مرگ) اندوهگین نخواهند بود.

امام صادق (علیه السلام) به فرزندان نیکو کاری که با والدین خود خوشرفتاری می کنند مژده داد: هر کس دوست دارد خداوند در لحظه مرگ بر او آسان بگیرد به بستگان خود صله رحم کرده و به پدر و مادرش نیکی کند. در این صورت علاوه بر این که در لحظه جان دادن احساس آرامش و راحتی خواهد کرد، در دنیا نیز در زندگی خود به فقر و بیچارگی دچار نخواهد شد.<sup>۱۲۷</sup>

### ۱۲- پاداش ویژه

افزون بر آثار بالا در مقابل نیکی به والدین ، در آیات متعدد قرآنی خداوند متعال پاداش نیکوکاران را بی حساب و ویژه قرار داده است. نیکی به والدین که در میان همه نیکی ها ، از اهمیت خاصی برخوردار می باشد از مصادیق روشن این اجراها است به دو مورد از این آیات اشاره می کنیم:

\* لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ<sup>۱۲۸</sup> ؛ نیکو کاران ، آنچه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنان موجود است و این است جزای نیکوکاران!

\* لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ<sup>۱۲۹</sup> ؛ برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند پاداش نیکی است! و زمین خدا وسیع است، که بردباران( در مسیر نیکو کاری) اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می دارند!

۱۲۶- بقره / ۱۱۲. ترجمه بر اساس تفسیر صافی / ذیل آیه شریفه .

۱۲۷- روضة الواعظین ، ج ۲، ص ۳۶۷.

۱۲۸- زمر/ ۳۵ و ۳۵.

۱۲۹- الزمر / ۱۰.



برخی از این پادشاهای ویژه به نیکو کاران در مورد پدر و مادر، که در روایات به آن تصریح شده از این قرار است:

### ۱۲/۱- طول عمر و فراوانی روزی

خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس می خواهد عمری طولانی، گشایش در زندگی، وسعت رزق و روزی فراوان داشته باشد، به پدر و مادرش نیکی و احسان نماید، چرا که این عمل بخشی از اطاعت خدا است.<sup>۱۳۰</sup>

در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است که: هر کس برای من خوش رفتاری به پدر و مادرش را تعهد نماید، من نیز متقابلاً فراوانی مال، زیادی عمر، و محبت و سربلندی او را در میان خانواده و بستگانش تضمین می کنم.<sup>۱۳۱</sup>

### ۱۲/۲- ثواب شهادت

روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جوانی را مشاهده کرد که مشغول کسب و کار خود بود؛ به وی فرمود: ای جوان! آیا از در آمد این شغل خود، کسی را هم سرپرستی می کنی؟ گفت: بلی یا رسول الله. فرمود: چه کسی را؟ گفت: مادرم را. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: از خدمت او دست بردار که بهشت در زیر پای اوست. آن گاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) افزود: اگر ثواب شهادت فقط برای کسانی بود که در راه خدا کشته می شوند، شهدای امت من کم می شد، سپس حضرت در توضیح سخن خود هفت گروه از مسلمانان را که در ردیف شهدا محسوب می شوند، بر شمرد و در مورد گروه هفتم فرمود: کسانی که برای عزت نفس خود و خانواده و آسایش والدین تلاش می کنند در ردیف شهدا خواهند بود.<sup>۱۳۲</sup>

### ۱۲/۳- سروری نیکان

در این جهان افراد زیادی کارهای نیک انجام می دهند و خیرات و مبرات فراوانی را درنامه عمل شان به ثبت می رسانند که در روز قیامت برای آن پاداش معین شده است اما از نگاه رسول خداص نیکوکاران به والدین،

۱۳۰- همان، ص ۸۵.

۱۳۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۶.

۱۳۲- کنز العمال/ج ۴/ص ۶۰۷/علاءالدین متقی هندی / مؤسسه الرساله / بیروت.



سرور آنان در قیامت خواهند بود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: سر آمد نیکان در روز قیامت شخصی است که به پدر و مادر خود بعد از مرگ آنان نیکی کرده باشد.<sup>۱۳۳</sup>

#### ۱۲/۴ - ثواب حج مقبول

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: هیچ فرزند نیکو کاری نیست که به چهره پدر و مادر خود نگاهی مهربانانه و شفقت آمیز بیندازد، مگر اینکه خداوند متعال برای هر نظری، ثواب یک حج مقبول منظور می نماید. یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفتند: یا رسول الله! آیا اگر فردی هر روز صد مرتبه به چهره پدر یا مادرش نظاره کند باز هم این پاداش را دریافت خواهد کرد؟ فرمود: آری، اگر روزی صد بار این کار را انجام دهد، ثواب صد حج پذیرفته خواهد داشت. خداوند متعال قادر است که پاداش بیشتر و بهتری عنایت کند.<sup>۱۳۴</sup>

#### ۱۲/۵ - پاداش جهاد

امام صادق (علیه السلام) فرمود: مردی پیش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده و عرض کرد: ای رسول خدا! من با تو برای هجرت و جهاد بیعت می کنم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسید: آیا از پدر و مادرت یکی زنده است؟ گفت: بلی، هر دوی آن ها در حال حیات اند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) دوباره سؤال کرد: آیا از خداوند متعال پاداش اخروی می خواهی؟ گفت: بلی. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: پس به سوی پدر و مادرت برگرد و با آنان نیک رفتاری کن.<sup>۱۳۵</sup>

#### ۱۲/۶ - برترین اعمال

منصور بن حازم، به امام ششم (علیه السلام) عرضه داشت: «کدام یک از اعمال نیک از سایر اعمال برتر است؟» امام (علیه السلام) فرمود: «الصَّلَاةُ لَوْ قَتَبَهَا وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛<sup>۱۳۶</sup> نماز در وقت خودش، نیکی به پدر و مادر، و جهاد در راه خدا.»

#### ۱۲/۷ - سپر آتش جهنم

۱۳۳- سید الابرار يوم القيامة رجل بر والديه بعد موتهما. بحار الانوار / ج ۷۱ / ص ۸۴ / علامه محمد باقر مجلسی / مؤسسه الوفاء / لبنان

۱۳۴- امالی طوسی / مجلس ۱۱ / محمد بن حسن طوسی / نشر دارالتقافه / قم. کنز العمال / ج ۱۶ / ص ۴۷۸.

۱۳۵- مستدرک الوسائل / ج ۱۵ / ص ۱۷۷. محدث نوری / نشر آل البيت ع / قم.

۱۳۶- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۵.



مردی به حضور امام ششم (علیه السلام) آمده و عرضه داشت: «ای پسر رسول خدا! پدر من پیر شده است. من او را به آغوش گرفته و برای رفع نیازهایش به این طرف و آن طرف می‌برم.» امام (علیه السلام) فرمودند: «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَلِيَ ذَلِكَ مِنْهُ فَافْعَلْ فَإِنَّهُ جَنَّةٌ لَكَ غَدًا»<sup>۱۳۷</sup> تا می‌توانی این کار را [خودت] انجام بده که این عمل، فردای قیامت برای تو سپر آتش جهنم خواهد بود.»

### \* فراز پانزدهم: شفاعت متقابل

«اللَّهُمَّ وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَ الْمَنَّ الْقَدِيمِ، وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ خداوندا! اگر پدر و مادرم را پیش از من آمرزیدی پس ایشان را شفیع من قرار ده و اگر مرا قبل از آنان مورد آمرزش قرار دادی پس مرا شفیع ایشان بنما تا در پرتو مهربانی ات در سرای کرامت ، و جایگاه مغفرت و رحمتت گرد آئیم ، زیرا که تو صاحب فضل بزرگ و نعمت دیرین هستی و تو مهربان ترین مهربانانی .»

### راه کارهای جبران کرامت های والدین

در این جا امام (علیه السلام) راه کار جبران کرامت های وصف ناپذیر پدران و مادران را می آموزد . البته این نکته روشن است که گذشته از لزوم ادای احترام و مهرورزی به والدین در زمان حیات ، شایسته است فرزندان پس از وفات آنان، به روح آنان خیراتی نثار کنند و برای ایشان از حضرت احدیت طلب مغفرت و رحمت کنند(همان طور که در دعای قبلی اشاره شد). ، اما از اینها که بگذریم ، امام سجاد (علیه السلام) در این دعا روش بدیعی را به ما می آموزد ؛ حضرت می فرماید : « وَ اغْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا، وَ اغْفِرْ لَهُمَا بِيْرِهِمَا يِي.» یعنی خدایا ! مرا بیامرز چون آنان را دعا کرده ام و آنان را بیامرز به سبب نیکویی که در حق من روا داشته اند.

در این دستور مختصر ، نکات نغزی نهفته است :

الف- دعا برای پدر و مادر عبادت است و موجب مغفرت خود شخص دعا کننده می شود.

۱۳۷- عدة الداعي، ابن فهد حلی، دارالکتب الاسلامی، ص ۸۶ .



ب- نیکی پدر و مادر به فرزند موجب مغفرت آنان است .

ج- یادکرد فرزندان از نیکی پدر و مادر و توجه به خدمات آنان ضروری است .

د- یادآوری فرزند از حقوق فوق العاده ی پدر و مادر الزامی است.

در ادامه ، حضرت سجاد (علیه السلام) می فرماید : «خدایا ! به سبب شفاعت و دعای من رضایت خود را شامل حال آنها بگردان.» از این فرموده ی امام (علیه السلام) معلوم می شود دعا و درخواست فرزند و شفاعت او برای مغفرت پدر و مادر مؤثر است و چه بسا آنان را از گرفتاری های برزخ نجات دهد و این خود تشویق بلکه الزام است که فرزندان یادآور والدین باشند.

آن گاه امام (علیه السلام) عرض می کند : «خدایا ! اگر مغفرت تو موجب نجات من شود ، شفاعت مرا بپذیر و اگر مغفرت تو باعث نجات والدین من است ، شفاعت آنان را درباره ی من پذیرا باش.» دو نکته در این مورد شایسته ی یادآوری است :

الف- فقط مغفرت خدا موجب ورود به بهشت و نجات است و هیچ چیز از هیچ کس نجات بخش نخواهد بود . ب- تنها شفاعت مؤمنان پذیرفتنی است و خداوند متعال شفاعت آبرومندان را خواهد پذیرفت و این حقیقت، امیدی برای مؤمنان است که آنان اهل نجات و شافع اند؛ از این رو ، می توان شفاعت را تعمیم داد و بر این اساس، عالمان و مؤمنان و اهل نجات پس از معصومین (علیهم السلام) از زمره ی شفاعت کنندگان هستند. امید آن که خداوند متعال شفاعت پاکان را نصیب ما نیز بفرماید. ان شاء الله .

حمد مخصوص خداست که ما را به محمد و آل محمد هدایت فرمود و با کتاب شریف صحیفه سجادیه مأنوس قرار داد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ! ستایش و سپاس از آن خدایی است که ما را به این (جایگاه پسندیده) راهنمایی کرد، و اگر خدا ما را رهنمون نمی شد ما هرگز راه نمی یافتیم.



# رَبُّهُمُ عَلِيمٌ مُّهِمٌّ وَالِدٌ مُّحْتَرَمٌ



دیرکشمیر  
دیپارٹمنٹ  
ایکسٹنشن  
و ایجوکیشن

وزارت آموزش و پرورش  
معاونت پرورشی و فرهنگی  
اداره کل قرآن، عترت و نماز